



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Investigating the effect of physical and emotional dimensions of place on sense of belonging: A case study of traditional and modern high schools in Bojnord

M. Arghyani*, M. Mirhashemi, M. Mahvash

Department of Architecture, Faculty of Art, University of Bojnord, Bojnord, Iran

ABSTRACT

Received: 30 June 2021
Reviewed: 9 November 2021
Revised: 26 December 2021
Accepted: 8 January 2022

KEYWORDS:

Sense of belonging
Belonging to the place
School architecture

* Corresponding author

m.arghyani@ub.ac.ir

① (+9858) 32201000

Background and Objectives: One of the effective and significant concepts that has drawn designer's attention about human and environment is sense of belonging. In environmental design field, despite the frequent use of this word, a clear definition of this concept and its elements has not been presented yet. In this research, for the practical use of sense of belonging in the field of design, first of all, the dimensions and components of this concept, according to the needs of the field of design, have been defined and then the impact of the physical and emotional dimensions of belonging have been evaluated in different patterns of schools; in order to determine the roles of these components in the formation of sense of belonging and finally the quality of the design of educational environments. The primary goal of this study is to create a basis for quality environment in educational spaces by reinforcing sense of belonging and the secondary one is to explain the concept of sense of belonging within the framework of environmental design.

Methods: The first part of this study is theoretical type and the second one in terms of goal is applied, that forms a mixed-methods research. The first part is done by using descriptive and analytical methods and examining the theoretical and technical background, and the second part is a survey based on inferential statistics. Library instruments and a questionnaire were used to collect data. The research instrument of the survey part in this study is a researcher-made questionnaire, the final version of which has been approved after several stages of qualitative validity checkup. The statistical population of this study consists of high school students in Bojnord and the samples were randomly selected. Then, the effective components on the sense of belonging have been analyzed and prioritized based on the questionnaire indicators. Questionnaires collected from two patterns of modern and traditional schools in Bojnord were analyzed by SPSS software. In this regard, linear regression correlation test has been used to investigate the relationship between independent and dependent variables. Based on this, 16 indicators have been evaluated based on 3 dimensions of belonging; environmental, activity and emotional-psychological dimensions; then the amount and intensity of the correlation has been measured.

Findings: According to the obtained results, "Environmental dimensions" with a beta coefficient of 0.243 and a significance level of zero, have the highest correlation with the sense of belonging. This finding shows that the level of belonging among the research variables has the greatest impact from the physical dimensions and related indicators and the changes in this component predict about a quarter of the changes in the independent variable; the sense of belonging. The second component affecting the sense of belonging with beta 0.208 and the significance level 0.004 is "Emotional dimensions". This finding highlights the important connection between emotion and place. Also, the variable "Activity dimensions" with a beta number of 0.206 and a significance level of 0.001 is the third component which explains the sense of belonging and the promotion of belonging in the studied high-schools.

Conclusion: The "environmental dimension" component; which is arising from the physical characteristics of an environment is the most decisive factor in explaining the sense of belonging, because environmental dimensions are the source of the main features of the environment. Human is directly related to the body of an environment, and human perceptions are the result of initial interaction with the physical environment. Therefore, it is necessary to address the quality of educational environments within its physical structure. Another conclusion that the research findings show is that the traditional schools can create

higher level of belonging to the environment in individuals, so the characteristics of these schools can be represented in the new experiences.



NUMBER OF REFERENCES

60



NUMBER OF FIGURES

5



NUMBER OF TABLES

10

مقاله پژوهشی

بررسی تأثیر ابعاد کالبدی و عاطفی مکان بر حس تعلق: مطالعه موردی دبیرستان‌های سنتی و مدرن بجنورد

مصطفی ارغیانی^{*}، سید مهدی میرهاشمی، محمد مهوش

گروه آموزشی معماری، دانشکده هنر، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران

چکیده

پیشینه و اهداف: یکی از مفاهیم مؤثر و مورد توجه طراحان در ارتباط انسان و محیط، حس تعلق است. در علم طراحی محیطی به‌رغم استفاده فراوان از این واژه، تعریف واحدی از این مفهوم و عناصر تشکیل دهنده آن ارائه نشده است. در این پژوهش، برای استفاده کاربردی از مفهوم حس تعلق در حوزه طراحی، ابتدا ابعاد و مؤلفه‌های این مفهوم متناسب با نیازهای حوزه طراحی تعریف شده و سپس تأثیر ابعاد کالبدی و عاطفی حس تعلق در الگوهای متفاوتی از مدارس سنجیده شده است تا نقش این مؤلفه‌ها در شکل‌گیری حس تعلق و نهایتاً کیفیت طراحی محیط‌های آموزشی روشن شود. هدف اولیه این پژوهش، ایجاد زمینه بهبود کیفی در فضاهای آموزشی به‌واسطه تقویت حس تعلق است و هدف ثانویه و تئوریک این پژوهش، تبیین مفهوم حس تعلق در چهارچوب طراحی محیطی است.

روش‌ها: بخش اول این پژوهش، از نوع بنیادی و بخش ثانویه آن به لحاظ هدف، کاربردی است که از نظر ماهیت، تحقیقی آمیخته را شکل می‌دهد. بخش اول، با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و با بررسی پیشینه نظری و فنی انجام شده است. بخش دوم، به‌صورت پیمایشی و مبتنی بر آمار استنباطی است. برای گردآوری داده‌ها، هم‌زمان از ابزارهای کتابخانه‌ای و پرسش‌نامه بهره گرفته شده است. ابزار بخش پیمایشی در این تحقیق، پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته است که پس از چند مرحله بررسی روایی - کیفی، نسخه نهایی آن تأیید شده است. جامعه آماری این تحقیق را دانش‌آموزان دبیرستان‌های بجنورد تشکیل می‌دهند و نمونه‌ها به شیوه تصادفی انتخاب شده‌اند. سپس، مؤلفه‌های مؤثر بر حس تعلق، با تکیه بر شاخص‌های پرسش‌نامه، تجزیه و تحلیل و اولویت‌بندی شده است. در پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری شده، دو الگوی مدرسه مدرن و سنتی در شهر بجنورد، در محیط نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این راستا، از آزمون آماری همبستگی رگرسیون خطی برای بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته استفاده شده است. بر این اساس، ۱۶ شاخص در قالب ۳ بعد محیطی، فعالیتی و عاطفی - روانی مورد سنجش واقع شده است و میزان و شدت رابطه سنجیده شده است.

یافته‌ها: با توجه به نتایج به‌دست آمده «ابعاد محیطی» با ضریب بتا ۰/۲۴۳ و سطح معنی‌داری صفر، دارای بالاترین همبستگی با حس تعلق است. این یافته، نشان می‌دهد میزان حس تعلق، در بین متغیرهای پژوهش، بیشترین تأثیر را از ابعاد کالبدی و شاخص‌های مرتبط با آن می‌پذیرد و تغییرات این مؤلفه، نزدیک به یک چهارم از تغییرات متغیر مورد سنجش، یعنی حس تعلق را پیش‌بینی می‌کند. دومین مؤلفه مؤثر بر حس تعلق، با بتای ۰/۲۰۸ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۴ «ابعاد عاطفی - روانی» است. این یافته، مبین اهمیت ارتباط عاطفی با مکان است. همچنین، متغیر «ابعاد فعالیتی» با عدد بتای ۰/۲۰۶ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ سومین مؤلفه مؤثر در تبیین حس تعلق و ارتقای آن در دبیرستان‌های مورد بررسی است.

نتیجه‌گیری: مؤلفه «ابعاد محیطی» که متأثر از ویژگی‌های کالبدی محیط است، تعیین‌کننده‌ترین عامل در تبیین حس تعلق است؛ زیرا، ابعاد محیطی منشأ ویژگی‌های اصلی محیط هستند. انسان به‌طور مستقیم با کالبد یک محیط در ارتباط است و سایر ادراکات انسان، پیامد تعامل اولیه با محیط کالبدی است. از این رو، لازم است به کیفیت محیط‌های

تاریخ دریافت: ۹ تیر ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۱۸ آبان ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۵ دی ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۱۸ دی ۱۴۰۰

واژگان کلیدی:

حس تعلق
تعلق به مکان
معماری مدرسه

* نویسنده مسئول

m.arghyani@ub.ac.ir
(۰۵۸-۳۲۲۰۱۰۰۰)

آموزشی در چارچوب ساختار کالبدی آن پرداخته شود. همچنین، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مدارس سنتی می‌توانند سطح بیشتری از تعلق را نسبت به محیط در افراد ایجاد نمایند. در نتیجه، می‌توان ویژگی‌های این مدارس را در تجارب جدید بازنمایی نمود.

مقدمه

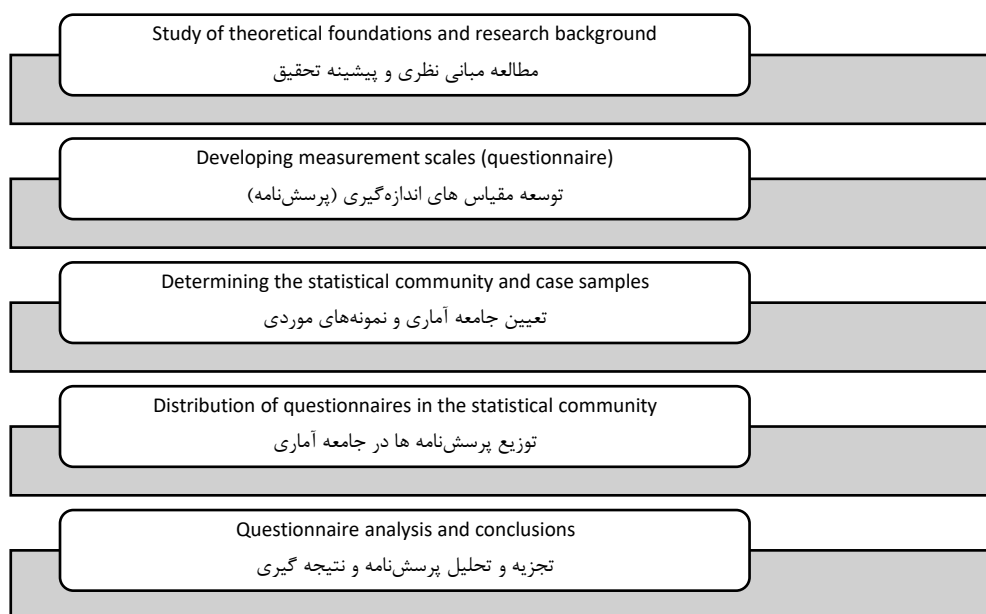
تاکنون دیدگاه‌های گوناگونی درباره تعلق مطرح شده است؛ به‌طور مثال، فرید معتقد است تعلق به یک مکان باعث افزایش علاقه افراد به محافظت از آن مکان‌ها و آزادی رفتاری، اطمینان و احساس عاطفی نسبت به افراد دیگر خواهد شد [۵،۶]. براساس دیدگاه چاولا، کودکانی که نسبت به یک مکان حس تعلق دارند، از بودن در آن مکان احساس شادی می‌کنند و از ترک این مکان، غمگین خواهند شد و به‌طور کلی، به دلیل کیفیت‌های ذاتی و تأمین نیازهای فیزیکی در آن مکان، به رضایت‌مندی دست خواهند یافت [۶]. حس تعلق به مکان، یکی از معانی مهم در ارتقای کیفیت محیط‌های انسانی و عامل مهمی در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی استفاده‌کنندگان و محیط بوده و منجر به ایجاد محیط‌های باکیفیت خواهد گردید؛ اما، نبود تعریف دقیق از آن در رشته‌های طراحی، سبب ایجاد نوعی سردرگمی و ابهام در شناخت و استفاده از عوامل طراحی برای ایجاد این سطح معنایی گردیده است. لذا، در این پژوهش با هدف شناخت حس تعلق و عوامل تشکیل‌دهنده آن و نیز برای یافتن تعریفی کاربردی از حس تعلق، اقدام به بررسی و تبیین این مفهوم و ابعاد مختلف آن شده است. در این راستا، مقاله حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است:

الف) حس تعلق به مکان چیست و چه مؤلفه‌هایی دارد؟

ب) کدام ویژگی‌ها و قابلیت‌های محیطی مدرسه، میزان حس تعلق دانش‌آموزان را به مکان ارتقا می‌بخشد؟

با توجه به اهداف و پرسش‌های پژوهش، فرایند کلی پژوهش، در شکل ذیل تشریح شده است. این تحقیق با یک بخش تئوریک و توصیفی-تحلیلی آغاز شده است و با تحلیل نتایج یک پیمایش میدانی به پایان می‌رسد (شکل ۱).

تاکنون «حس تعلق» از منظر دو دیدگاه اصلی «پدیدارشناسی» و «تجربه‌گرایی» مورد بررسی قرار گرفته است. در دیدگاه پدیدارشناسی، از حس تعلق، به «مکان دوستی» یاد می‌شود که حسی توأم با ادراک و لذت در مکان است. به اعتقاد پدیدارشناسان، این حس موجب تعلق روحی و روانی فرد به محیط می‌شود [۱]. اگر انسان نسبت به مکان حس تعلق پیدا کند؛ می‌تواند آن را به خاطر سپرده و به آن تقرب جوید. بدین ترتیب، به این نیاز انسان (مکانیت) پاسخ داده می‌شود [۲]. خاطره‌های نوستالژیک (که با احساس شناخت مکان و آشنایی با آن در جریان تعاملات هر روزه افراد با مکان مورد استفاده تولید می‌شود) سبب تعلقات فرهنگی و تاریخی و همچنین تثبیت موقعیت اجتماعی و فیزیکی افراد به هنگام تغییرات اجتماعی سریع و نامشخص می‌شود؛ به‌عکس، از یاد بردن تعلق به مکان، منجر به بیگانگی انسان و گسستگی او از محیط خواهد گردید. نوربرگ شولتز نیز با نگاهی پدیدارشناسانه، تعلق داشتن به مکان را به معنای برخورداری از پایگاه وجودی می‌داند. او در این باره می‌گوید: «زمانی که خداوند سبحان به آدم گفت: تو بر روی زمین تبعیدی و سرگردان خواهی بود، در واقع، بشر را در مقابل اساسی‌ترین مشکل او قرار داد: عبور کردن از قلمرو و دوباره به‌دست آوردن مکان گم‌شده.» [۳] احساس تعلق به یک مکان، سبب ایجاد حس حضور در محیطی شبیه به خانه، که بدان وابستگی دارند، می‌شود. این احساس می‌تواند سبب پیوند ساکنان با محیط گذشته خود یا منجر به تعلق فرد به یک اجتماع شود که عموماً تأثیر نخست آن بیشتر است [۴].



شکل ۱: مراحل و اقدامات پژوهشی حاضر

Fig.1: Steps and measures of the current study

پیشینه پژوهش

حس تعلق، دارای جنبه‌های ذهنی، عینی و پیچیدگی‌های خاصی است. این مفهوم به‌طور عام در فلسفه و جامعه‌شناسی بیشتر مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما در دوران معاصر، تعلق به مکان، به عرصه طراحی و شهرسازی نیز راه یافته است. در بیشتر پژوهش‌ها، به حس تعلق، به‌عنوان یک کیفیت پرداخته می‌شود تا اینکه به‌عنوان یک فعل مورد توجه قرار بگیرد. مطالعات مختلف نشان می‌دهد که این کیفیت توسط افراد حس می‌شود؛ اما، به راحتی قابل مشاهده و اندازه‌گیری نیست.

تعابیر مختلفی از حس تعلق به مکان قابل برداشت است. دهخدا در لغت‌نامه، تعلق خاطر را به علاقه‌مندی، عشق ورزیدن و میل داشتن به کسی تعبیر می‌کند؛ ولی ابن خلدون آن را معادل تعصب تعریف می‌کند. پژوهشگران دیدگاه‌های مختلفی نسبت به تعلق به مکان دارند؛ روان‌شناسان از تعلق به مکان، بیشتر به‌عنوان کارکردهای فضای شخصی توجه دارند. جامعه‌شناسان شبکه اجتماعی را در یک مکان، بیشتر به‌عنوان نمادی از تعلق به مکان می‌دانند و جغرافی‌دانان به سکونت‌گاه‌های شهری و روستایی و تعلق منطقه‌ای توجه دارند و از نگاه پدیدارشناسی که رهیافت مورد توجه معماران است، حس تعلق به معنای پیوندی محکم و عاملی تأثیرگذار میان مردم و مکان و اجزای تشکیل‌دهنده آن است که این پیوند صورتی مثبت دارد؛ سبب گسترش ارتباط فرد با محیط می‌شود و با گذر زمان عمق بیشتری پیدا می‌کند [۷]. در واقع، حس تعلق از سوی پدیدارشناسان به نام مکان دوستی تعبیر می‌شود [۸].

مطالعه حس تعلق، به حوزه‌های مکان، اشیا، فرهنگ و قومیت نیز گسترش یافته است. این موضوع نشان می‌دهد که حس تعلق دارای مقیاس‌های گوناگونی است و در سطوح مختلف مطرح می‌شود [۹] در برخی پژوهش‌ها، حس تعلق به‌عنوان جزئی از حس هویت و زندگی فرد به‌شما می‌آید و با پرسش «ما چه کسی هستیم؟» مطرح می‌شود. در حقیقت، حس تعلق گاهی مفهومی اجتماعی پیدا می‌کند [۱۰]. ما نیاز داریم که مورد پذیرش سایر افراد گروه قرار گیریم و به‌عنوان یک انسان قلمداد شویم. در واقع تعلق به یک اجتماع، وابسته به شناختن و شناخته شدن توسط دیگر انسان‌هاست. همچنین، اگر کسی به مکانی تعلق نداشته باشد، در واقع، از مکان خارج است و نوعی حس بی‌اخلاقی در او وجود دارد. این‌گونه، تعلق گاهی یک مفهوم اخلاقی است و بار معنایی اخلاقی را به دوش می‌کشد [۱۱].

از دید برخی محققین مانند می [۹]، تعلق به مفهوم ارتباط فرد و جامعه است. محیط‌های روستایی به دلیل روابط خویشاوندی قوی، دارای حس تعلق بالاتری نسبت به مکان‌های شهری هستند [۹]. در این تعریف، تعلق به مکان به‌عنوان خروجی فرایندهای اجتماعی، به‌صورت رابطه‌ای تعریف می‌شود و ثابت نیست. در واقع، تعلق یک مفهوم درونی و پویاست که از دوران کودکی در فرد شکل می‌گیرد و براساس تجربه‌های مختلف زندگی در فرد دارای سطوحی مختلف است. اگر حس تعلق در رابطه با مردم و اشیا تعریف شود؛ نشان‌دهنده آن است که این روابط، در تعریف

تعلق در اولویت قرار دارند. تعلق براساس این روابط شکل می‌گیرد و این روابط، قسمتی از تعلق هستند. این، نشان می‌دهد که تعلق ثابت نیست و مدام در بستر زمان، در حال تغییر است [۱۲].

در برخی از مطالعات حس تعلق، سن افراد و زمان مورد توجه قرار می‌گیرند [۱۳]. تغییر در موقعیت‌های زندگی، از قبیل به خطر افتادن سلامتی فرد، تأثیرات مختلفی بر حس تعلق دارد. در افراد مسن تجربه تعلق، به تجربه‌های اجتماعی که افراد جوان در آن نقش مهمی ایفا می‌کنند، محدود می‌شود. در این گروه سنی، وقتی فردی از بین می‌رود، تعلق سالمند به فرد جوان تر معطوف می‌شود یا هنگامی که فردی از نسلی می‌میرد، انسان به‌صورت دقیق، از هویت نسلی آگاهی پیدا می‌کند و احساس تعلق بین فردی به‌وجود می‌آید [۱۴]. در بیشتر مطالعاتی که توسط معماران و شهرسازان انجام شده است، ابعاد کالبدی مکان به‌عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری تعلق به مکان مورد توجه واقع شده است. تحقیقات نشان می‌دهد از میان ابعاد سه‌گانه ذهن، کارکرد و کالبد، ریخت و کالبد وضعیت بهتری نسبت به دو بعد دیگر دارند [۱۵]. رویکرد اخیر در تحقیقات نشان می‌دهد مفهوم تعلق به مکان، بر سایر پدیده‌های اجتماعی مانند مهاجرت، سرمایه اجتماعی، امنیت اجتماعی و حتی توسعه پایدار اجتماعی مؤثر است [۱۶]. آنان در ارتباط میان حس تعلق و پدیده مهاجرت، بیان می‌کنند که تعلق به مکان می‌تواند باعث شود افراد به هنگام تصمیم‌گیری برای مهاجرت، ماندن را به ترک محل زندگی خود ترجیح دهند و به هنگام ارزیابی شرایط خود، سود ماندن را بیشتر از سود ترک محیط برآورد کنند. همچنین، تعلق به مکان، سرمایه‌گذاری در مکان و رضایت از زندگی را افزایش می‌دهد و احتمال مهاجرت را کاهش می‌دهد. تحقیق دیگری که در حوزه موضوعات اجتماعی انجام شده است [۱۷]، نشان می‌دهد حس تعلق می‌تواند به‌واسطه افزایش مشارکت، باعث بهبود و افزایش سرمایه اجتماعی شود. در نتیجه، می‌توان گفت برای داشتن مشارکت آگاهانه و سرمایه اجتماعی بالا، وجود حس تعلق به مکان ضروری و مؤثر است. در واقع، چرخه‌ای از مشارکت، توانمندسازی و تعلق به مکان می‌تواند سرمایه اجتماعی یک محله یا شهر را افزایش دهد.

امنیت اجتماعی، موضوع دیگری است که ارتباط آن با حس تعلق به مکان مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق [۱۸] نشان می‌دهد ابعاد مؤثر بر حس تعلق به مکان، از جمله بافت و تزئینات، فرم و اندازه، روابط و چیدمان در فضای شهر و محله، بر مؤلفه‌های امنیت اجتماعی تأثیرگذار هستند. در واقع، مؤلفه‌های امنیت اجتماعی از جمله نابهنجاری اجتماعی، نظارت اجتماعی و آزادی حرکت، تحت تأثیر مؤلفه‌های مؤثر بر حس تعلق قرار می‌گیرند. در اینجا، حس تعلق یک شاخص کیفی برای سنجش مؤلفه‌های مؤثر بر امنیت اجتماعی به‌شمار می‌آید. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد مؤثرترین مؤلفه در این زمینه، فرم و اندازه است که مشابه بسیاری از تحقیقات، نشان از اهمیت ابعاد کالبدی بر حس تعلق و به‌تبع آن، امنیت اجتماعی دارد. گسترده‌ترین ارتباط حس تعلق را با مسائل اجتماعی، می‌توان در تحقیق مطلق و

مشارکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند به اهداف مهم اجتماعی مانند پایداری اجتماعی کمک کند. با خلق مکان‌های جدید، مانند فضاهای مجازی، دامنه ادراکی این حس نیز گسترش می‌یابد و به اندازه تجربیات جدید در زندگی افراد نفوذ می‌کند؛ اما در همه حال، ابعاد کالبدی آن نقش، مؤثر و به عبارت دیگر، مؤثرترین نمود آن برای انسان است؛ به این دلیل که کیفیت یک مکان بیش از هر عاملی توسط ویژگی‌های کالبدی آن برای انسان آشکار می‌شود.

مبانی نظری

تعلق به یک ساختار، از قبل قابل پیش‌بینی نیست؛ زیرا، تعلق در طول زمان شکل گرفته، تولید شده و پایدار می‌شود. در واقع، تعلق به مکان از طریق خاطراتی در مکان پایدار می‌شود که براساس آشنایی با آن مکان شکل گرفته است. گاهی تجربه دوران کودکی در این موضوع نقش دارد. بنابراین خاطره قسمتی از عوامل عاطفی شکل‌دهنده تعلق به مکان است [۲۱]. روزگار گذشته بر بستر دوران معاصر حمل می‌شود و به صورت حضور عاطفی در یک سری اشیا پایدار می‌شود و به صورت موقت، زندگی انسانی را بهبود می‌بخشد. مکان، از طریق تجربه‌های فرهنگی و فعالیت‌های موقتی و پویا، مردم را به گذشته و آینده مرتبط می‌کند و احساس تعلق را به وجود می‌آورد. در این حالت، فرد تشخیص می‌دهد که چه کسی است. در مکانی که این حالت‌ها به وجود نیاید، انسان خارج از مکان است. تعلق نسبت به یک مکان، زمانی شکل می‌گیرد که مردمانی شبیه خویش را در آن بباییم.

زمان، حافظه و مکان

افراد ارتباط تاریخی متفاوتی با مکان دارند و بازتاب‌های مختلفی در مکان پیدا می‌کنند تا اینکه حس تعلق خود را تحکیم بخشند. در واقع، هنگام ایجاد حس تعلق، افراد دارای ملیت می‌شوند و به عنوان ما تلقی می‌گردند [۱۰]. نوستالژی که حس از دست دادن گذشته و خاطره‌های خوب گذشته است، جنبه دیگری از خاطره است. براساس دیدگاه می [۲۲]، نوستالژی علاوه بر تجربه گذشته، عاملی برای سرزندگی و رضایت‌مندی از دوران کنونی فرد است. در واقع، این مفهوم پلی بین گذشته و آینده است که می‌تواند سبب تعلق به مکان شود. نوستالژی در واقع یک حس دل‌تنگی شدید نسبت به مکان ابتدایی و تولد فرد است؛ یک حس کلی از کمبود چیزی یا تأسف از نبودن این مکان. در واقع، یک نوع سوگواری به خاطر غیرقابل برگشت بودن به مکان گذشته است که با آرزوی شدید و تمایل زیاد به مکانی در گذشته شکل می‌گیرد و سبب حس تعلق در دوران معاصر می‌شود و گاهی نیز نوعی عدم خوشحالی از شرایط حاضر به دلیل مطلوبیت گذشته ایده‌آل است. در اینجا نیز خاطره، عنصر مرکزی مفهوم نوستالژی است. یکی از چالش‌های اصلی جوامع در دوران معاصر، فزونی خاطره‌ها و لزوم فهم دوران گذشته فرد و چگونگی بروز آن در دوران معاصر است. آیین‌ها و سنت‌های گذشته می‌تواند به اشیا متصل شود و پیوستگی خود را در جریان بین

فرهادی پور [۱۹] مشاهده نمود. این محققان، پژوهشی برای روشن کردن رابطه توسعه اجتماعی پایدار و حس تعلق به مکان انجام دادند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد میان حس تعلق به مکان و توسعه پایدار اجتماعی رابطه‌ای معنادار وجود دارد. در این تحقیق، توسعه پایدار اجتماعی به سه بُعد تقسیم شده است که عبارتند از مشارکت شهروندی، کیفیت محل زندگی و دسترسی به منابع و امکانات. بررسی رابطه مستقل این ابعاد با حس تعلق، نشان از تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها دارد. از دید مجریان این تحقیق، برای ایجاد پایداری اجتماعی، در نظر گرفتن مباحث انرژی، چرخه محیط زیست، و حتی اکولوژی کافی نیست؛ بلکه، لازم است پایداری در معنایی وسیع‌تر به عنوان بستری برای تعالی انسان در نظر گرفته شود. این مسأله جنبه‌ای مهم از پایداری اجتماعی است که امروزه با وجود توسعه شهرها و رشد مراکز شهری می‌تواند مبنایی برای برنامه‌ریزی و مدیریت باشد. اکنون که فضاهای شهری و سکونت‌گاه‌ها از کیفیت و تعلق انسانی و اجتماعی خالی شده‌اند، توجه به عوامل ایجادکننده تعلق به مکان، به ویژه در مکان‌های سنتی و تعمیم آن به واحدهای همسایگی یکی از ضرورت‌های توسعه پایدار اجتماعی است.

تعلق به مکان به عنوان یک ساختار روانی و یک کیفیت جاری در محیط از محیط‌های واقعی فراتر رفته و همچنان که عرصه زندگی انسان به دنیای مجازی گسترده شده است، به این بُعد از زندگی وارد شده است [۲۰]. از نظر این محققان، شیوه زندگی امروزین که متأثر از تکنولوژی است، موجب پیدایش مکان‌هایی مجازی شده است که به عنوان بستری جدید برای زندگی، در اختیار انسان و جامعه قرار گرفته است. از طرفی، دریافت نکردن حس مطلوب از برخی فضاهای واقعی و تأمین نشدن نیازهای روحی افراد در مکان‌های عینی، به عنوان یک جایگزین و راه حل، انسان‌ها را به سوی غوطه‌وری در فضاهای مجازی سوق داده است؛ به گونه‌ای که، آنان در مکان‌های جدید، همچون مکان مجازی، به دنبال یافتن پاسخ نیازهایشان می‌گردند. محتوای این فضاها شامل ارتباطات متنوعی است؛ اما افراد این فضاها را با افراد آن و به عنوان یک مکان مجازی درک کرده، نسبت به آن دارای احساسات هستند. در آن خاطراتی را خلق کرده‌اند و حتی برای این مکان‌ها ارزش‌گذاری‌هایی را انجام داده‌اند. به حدی که شناخت آنها از این مکان‌ها به ملزومات اولیه برای ایجاد حس تعلق به مکان رسیده است. اگرچه از نظر محققان با توجه به حذف عامل کالبدی نمی‌توان انتظار داشت که تمام حواس درگیر با یک مکان در یک مکان مجازی فعال شود و به تبع آن، نمی‌توان انتظار داشت افراد نسبت به این مکان‌ها رفتارهایی مانند فداکاری را بروز دهند؛ اما، با توجه به میزان وابستگی که در محیط‌های مجازی وجود دارد و پیشرفت روزافزونی که در این قلمرو در حال شکل‌گیری است، تعلق به مکان مجازی می‌تواند رویداد و چالشی متفاوت برای جامعه انسانی باشد.

بررسی سیر تکاملی پژوهش‌های مرتبط با حس تعلق به مکان، نشان می‌دهد مکان در تمام ابعاد زندگی انسان جاری است. رفتارهایی مانند

تجربه زیسته از مکان

درک مکان، حکایت از تجربه مکان در بستر زندگی دارد. تجربه افراد از حضور و زندگی دارای کیفیتی است که به مکان نیز نسبت داده می‌شود. در پژوهش‌های کیفی که در تحقیقات اخیر به کانون توجه طراحان و به‌ویژه معماران بدل شده است، بررسی تجربه زیسته به‌عنوان یکی از راه‌های شناخت پدیده‌های انسانی به رسمیت شناخته شده است. در تحقیقات کیفی حس تعلق با گزاره‌ها و عبارتهایی بیان می‌شود که نشان از ابعاد شناختی، عاطفی و کارکردی مکان دارد. برای نمونه، افراد مکان را به‌صورت ذیل توصیف می‌کنند:

«من فکر می‌کنم تعلق به معنای اجتماع و در واقع احساس آشنایی با مکانی خاص است؛ چون مرا به یاد زمانی می‌اندازد که در این مکان زندگی کرده‌ام، به مغازه می‌رفته‌ام و نمی‌دانسته‌ام که اینجا کجاست. کمی احساس گم شدن می‌کرده‌ام و به‌دشواری می‌توانسته‌ام مسیر خانه را بیابم. در این حالت انسان شناختی نسبت به محیط اطراف ندارد. اما حالا من به‌اندازه‌ای در این مکان زندگی کرده‌ام که اگر نیازی به چیزی داشتم، دقیقاً می‌دانم کجا باید بروم. من به‌طور کامل، به محیط اطراف احاطه دارم و بنابراین به‌راحتی بدان می‌توانم دسترسی داشته باشم.»

«خانواده‌ام هنوز در خانه‌ای زندگی می‌کنند که من در آنجا بزرگ شده‌ام. این مکان برای من مشخص است و من دوست دارم نزدیک این مکان باشم؛ زیرا با آن آشنا هستم و می‌دانم کجا بروم و چه کسی را ملاقات کنم. برای‌این‌اساس من شناخت و درک خوب از یک مکان را برای تعلق نیاز دارم. من در این مکان آسایش دارم و احساس می‌کنم در خانه حضور دارم. این یک هم‌محلله‌ای خوب برای من است و من گمان می‌کنم همه‌ی خاطره‌های دوران کودکی در اینجا شکل گرفته است. این مکان به من حس استقلال می‌بخشد و قادر است ابزارهایی برای من فراهم کند که بتوانم از خودم مراقبت کنم» [۲۴].

این توصیفات نشان می‌دهد که مکان یک جزء همیشگی برای توصیف تجربیات زندگی است. تجربیات بدون مکان قابل بازگو کردن و تشریح کردن نیستند. همچنین مکان در تجربیات زیسته افراد با زمان و گذر از لایه‌های زمانی در ارتباط است. مکان نسبت میان انسان و دیگران را نیز روشن می‌کند.

فرد، اجتماع و مکان

حس تعلق از یک جهت مؤلفه‌ای فردی است؛ یعنی، تعلق در سطح فردی به‌عنوان یک سیستم از نگرش‌ها، احساسات و رفتارهای از درون مرتبط با یکدیگر است که ارتباط فرد با آن مکان را نشان می‌دهد و پیامد آن حفظ و ارتقای مکان است. حس تعلق از طرفی یک مؤلفه جمعی است که با مکان‌سازی و تجربه‌های هر روز مکان شکل می‌گیرد. تعلق به مکان بیشتر یک فرایند است تا یک محصول. از منظر تئوری نیازهای انسانی، حس تعلق برگرفته از نوعی نیاز اجتماعی است که طی آن، انسان به دنبال یافتن جای پای محکم برای برقراری ارتباطی با محیط و پیوندی صمیمانه با آن است [۲۵]. میلر احساس تعلق را به‌عنوان حس آسایش با خود و محیط اطراف می‌داند که ماهیت جوهری

گذشته و حال تقویت کند. آنها در واقع عنصر مرکزی الگوهای تاریخی و اجتماعی هستند که افراد و گروه‌ها را با هویت‌های متمایز و فرصت‌های جدید رو به رو می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که، سبب تولید خاطره می‌شوند. در واقع آن‌ها قسمتی از خاطره‌های گذشته انسان هستند. این خاطره‌ها مسیر زندگی مردم و تجربه محیط را تقویت می‌کنند. در واقع، همه اتفاقات در زندگی ذخیره شده و ایجاد تعلق می‌کنند. یک فهم، از رویدادهای تاریخی مکان برای انسان‌ها اهمیت دارد. تاریخچه مکان از این نظر اهمیت دارد که نشان می‌دهد که چگونه مکان می‌تواند باشد و در حال حاضر چگونه خواهد بود. در واقع گذشته و آینده با دوران معاصر شکل می‌گیرند؛ در حالی که، تاریخ داستانی از گذشته است که در زمان حال گفته می‌شود و تعلق به‌وجود می‌آورد [۲۳].

کوک و همکاران [۲۴] با مطالعه‌ای در بین ۳۵ فرد ۳۸-۳۹ ساله در ویکتوریای استرالیا از آنها خواستند که تجربه زندگی خود را در طول ۲۰ سال گذشته توضیح بدهند. آنان به‌طور خاص، روی افرادی که در مکان زندگی کودکی‌شان باقی مانده و آن را ترک نکرده بودند، مطالعه کردند و نقش نوستالژی را به‌عنوان شکل‌دهنده پیوستگی فرد با گذشته مطرح کردند. مکان‌ها در واقع قابلیت به خاطر آوردن، پیوستگی معنا و خلق گذشته را دارند. در واقع، پیوستگی نمادین و عملی با یک مکان، معنایی به آن می‌دهد و آن را دوباره از طریق تاریخ و خاطره خلق می‌کند. این فرایند، احساس آشنا بودن و راحتی را در فرد ایجاد می‌کند و احساس فشار روانی ناشی از تغییرات اجتماعی قوی و سریع در یک مکان را کاهش می‌دهد. از دیدگاه آنان، نوستالژی عاملی برای شکل‌گیری تعلق به مکان در فرد است. این مطالعه نشان می‌دهد که ب‌خلاف مفهوم نوستالژی، تعلق قسمتی از تجربه‌های جاری مرتبط با مکان‌های ویژه‌ای هستند که برای ما معنادار است. این مطالعه نشان می‌دهد که نوستالژی از طریق یادآوری خاطره‌های شاد دوران کودکی (بازگویی خاطره‌ها برای دیگران یا زندگی در نزدیک مکان‌هایی که این خاطره را یادآوری می‌کند) سبب احساس تعلق می‌شود. این مطالعه نشان می‌دهد که مکان‌های خاص، دلیلی برای تعلق است. مکان‌هایی که افراد در طول دوران زندگی به‌طور پیوسته با آن در ارتباط هستند. این مکان‌ها که در طول زمان با عاطفه فرد گره می‌خورند و پیوسته، فرد در تعامل با آن است، عاملی برای تعلق به‌شمار می‌آیند. در واقع، نتایج این پژوهش با پژوهش‌های هوی مطابقت دارد که نشان می‌دهد تغییرات در یک مکان با هدف ایجاد تعلق، با پیوستگی مکان ارتباط مستقیم دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که تجربه‌های نوستالژیک از مکان سبب می‌شود که افراد به مکان کودکی خود بازگشته، احساس تعلق، امنیت و راحتی کنند. فرد در این مکان به‌عنوان یک عامل مؤثر ایفای نقش می‌کند. در واقع، احساس نوستالژی برای به‌وجود آوردن تعلق، نه به‌عنوان یک احساس منفی، بلکه افراد را متمایل به سمت مکان گمشده می‌کند که در گذشته فرد وجود داشته است. این ارتباط عاطفی با مکان گذشته، سبب شکل‌گیری عادت‌ها و تجربه‌ها در دوران کنونی می‌شود [۲۴] که بخشی از تعلق به مکان امروزی را شکل می‌دهند.

انسان است [۱۲، ۲۶] تعلق از دیدگاه هستی‌شناسانه، نوعی از شدن در جهان است و در واقع حسی از خود است که توسط مکان شکل می‌گیرد [۲۷]. حسی از خود شامل تاریخ جمعی، سنت‌ها و فرهنگ‌ها در قالب ملت است [۲۸].

تعلق به یک مکان و یک اجتماع بومی، واقعیتی فرهنگی است که به فرایندهای اجتماعی از قبیل تجربه جمعی وابسته است. فرتیر حافظه‌های جمعی مشترک را به‌عنوان شکل‌دهنده حس تعلق در مطالعه مکان می‌داند. در واقع، تعلق از طریق تاریخچه افراد و مکان به‌وجود آمده است و یک عنصر مهم از حافظه جمعی است که به عملکرد مکان کمک می‌کند. شناختن مردم اطراف خود در دوران حاضر در یک مکان، ما را در قالب هویتی خاصی، که در واقع به دنبال بازگشت خود به گذشته هستیم، تأیید می‌کند. این بازگشت به گذشته، نوعی احساس ریشه‌داری در فرد ایجاد می‌کند که اساس پایداری برای آینده فرد است و یک مبدأ برای شکل‌گیری تعلق است [۲۷]. تاووزرهم در رساله دکتری خود، حس تعلق را به‌عنوان پیوند عاطفی فرد با مکان معنا می‌کند و معیارهای معنی، احساس آشنایی و دوستانه بودن با محیط‌های خاص، تشخیص و تمایز، یا محیط به‌عنوان یک نماد را به‌عنوان معیارهای حس تعلق در محیط در نظر می‌گیرد؛ به‌طوری‌که، در این حالت افراد قادر هستند نقشه ذهنی از محیط را برای دیگران ترسیم نمایند [۲۹]. کیم همچنین علاوه بر معیارهای یادشده، رضایت‌مندی و تأمین نیاز، مالکیت، مدت زمان اقامت در مکان و تعامل اجتماعی را به آن‌ها برای سنجش حس تعلق اضافه می‌کند.

واشبرن، در رساله دکتری خود به بررسی موضوع تعلق دانش‌آموزان در مدرسه، که یک فضای جمعی است، می‌پردازد. از دیدگاه وی تعلق از ارتباط بین فرد و محیط اجتماعی ادراک می‌شود. همچنین، نتایج رساله او نشان می‌دهد که تعلق در محیط مدرسه سبب سلامتی ذهنی و فیزیکی دانش‌آموزان می‌شود که همبستگی فراوانی با امنیت، راحتی و رفاه عاطفی و آسایش دانش‌آموزان در محیط دارد. به‌علاوه، وی عزت نفس را نیز به‌عنوان عاملی برای سنجش حس تعلق به این موارد اضافه می‌کند. وی در این رساله از روش‌های پرسش‌نامه و مصاحبه برای سنجش مؤلفه‌ها استفاده می‌کند. به‌طور کلی، وی برای حس تعلق، پرسش‌نامه ۱۸ آیتمی را که در زیر مجموعه ۴ مفهوم کلی می‌گنجد، به‌کار می‌برد و معتقد است که تعلق در بستر زمان تغییر پیدا می‌کند. همچنین نتایج پژوهش او نشان می‌دهد که متغیر قومیت، جنسیت و پیشینه‌های فرهنگی افراد به‌عنوان عاملی مهم و تأثیرگذار، بر تعلق به این محیط است و فعالیت‌های گروهی کوچک در محیط، سبب افزایش میزان حضور دانش‌آموز و تعلق به محیط می‌شود [۳۰]. در دانشگاه استنفورد در زمینه ارتباط بین محیط با قابلیت حمایت روانی و تعلق در فضای آموزشی مطالعات فراوانی انجام شده است. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد حس تعلق در محیط مدرسه به‌عنوان یک فضای اجتماعی، همبستگی فراوانی با مدت زمان تحصیل در محیط دارد. مدارس کوچک برای دستیابی به حس تعلق مؤثر است؛ اما در مدارس بزرگ هم، چنین

مکان و مفهوم دل‌بستگی

تعلق، یک دست‌آورد عاطفی و اجتماعی است که در مکان‌هایی خاص با ویژگی‌های کالبدی خاصی رخ می‌دهد. به تعبیر دیگر، تعلق به مکان نوعی دل‌بستگی عاطفی و کالبدی به یک مکان است [۳۲]. احساس تعلق، سطح بالاتری از حس مکان است که در هر موقعیت و فضا به‌منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در آن مکان، نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد. این احساس، تجربه خاصی است که دارای جنبه‌ها و تجربه‌های اجتماعی، عاطفی و کالبدی است و این تجربه می‌تواند در زندگی هرروزه رخ دهد. تعلق گاهی به احساس در خانه بودن تعبیر می‌شود. (تجربه‌ای عاطفی که به مواجهات درون و بیرون مکان بر می‌گردد) در واقع، یکی از حالت‌های عاطفی مرتبط با تجربه مکان، تعلق داشتن یا عدم تعلق به مکانی است که با آن رو به رو هستیم [۳۳].

تعلق به مکان موضوع چشمگیری در بحث‌های جاری مربوط به مهاجرت شده است؛ زیرا، رفتن از مکانی به مکان دیگر موضوع اصلی مهاجرت است: رفتن به مکانی با حس بهتر نسبت به مکانی که در آن حس منفی وجود دارد. تغییر سریع مردم و فرهنگ‌ها در اطراف جهان و بی‌مکانی، به مفاهیم تعلق آسیب‌های فراوانی زده است [۳۴]. مطالعه‌ای به بررسی میزان تعلق میان افراد مهاجر از کشور اکوادور در ایتالیا پرداخته است. این مطالعه به بررسی تجربه خاص این افراد در فضاهای ناآشنا به‌عنوان مکانی برای زندگی و تعلق، پرداخت که نمونه‌ای از مطالعاتی است که در زمینه ارتباط تجربه‌های عاطفی، اجتماعی و کالبدی در شکل‌گیری تعلق به مکان صورت گرفته است. تغییرات موقت در حس تعلق مردم به مکان در طی جابه‌جایی‌های روزمره آنها بین مکان‌ها، براساس تجربه حسی آنها از جهان رخ می‌دهد. با توجه به این‌که مکان‌ها در طول زمان تغییر پیدا می‌کنند، تعلق هم می‌تواند در معرض خطر قرار گیرد. در این بی‌مکانی، تعدادی از مردم می‌توانند با آگاهی از مکان تعلق خود را دوباره

این مکان شکل خواهند گرفت. در این تعریف به دو جنبه تعلق مکانی تأکید می‌شود که عبارتند از: معنای مکان و خاطرات گذشته. معنای مکان: تعلق به مکان وابسته به نزدیکی اندازه میان تصویر ذهنی فرد از مکان و ذهنیت مشترک سایرین از آن مکان است. بر این پایه، هرچه این دو ذهنیت همانندی بیشتری داشته باشند؛ فرد با محیط احساس این همانی بیشتری خواهد داشت و احساس تعلق به مکان شکل خواهد گرفت [۳۹].

خاطره‌های گذشته و قابلیت‌های آن برای آینده: از این منظر، در تعلق مکانی الگوهای رفتاری خاص و گونه‌های معناداری از تجربه‌ها رخ می‌دهد [۳۸]. از دید فرایندی فوهرر و کایزر سه فرایند کلی برای خلق تعلق مکانی وجود دارد که عبارت است از: ۱- مکان به‌عنوان حامل هویت شخصی ۲- مکان به‌عنوان تسهیل‌کننده فرایندهای اجتماعی و فرایندهای بین شخصی ۳- مکان به‌عنوان تسهیل‌کننده نیازهای عاطفی. از دیدگاه وی، همان‌طور که مکان‌ها تغییر پیدا می‌کنند، نیازهای فردی را تأمین می‌نمایند و سبب شکل‌گیری تعلق می‌گردند. در واقع، از دیدگاه میلر تعلق به مکان مستلزم خلق حس هویت با محیط‌های عاطفی، کالبدی و رفتاری است [۱۲]. در جدول (۱) مجموعه دیدگاه‌های پیرامون مفهوم تعلق به مکان آورده شده است.

جدول ۱: بررسی تطبیقی دیدگاه‌ها درباره تعلق به مکان
Table 1: Comparative study of views on belonging to a place

Views and definitions دیدگاه‌ها و تعاریف	Theorist نظریه پرداز
The cognitive relationship of the individual or group is with an environment, the spatial belonging of the individual's identity to the social environment in which she lives and is created in a cultural environment.	[7]
رابطه شناختی فرد یا گروه با یک محیط است. تعلق فضایی هویت فرد به محیط اجتماعی که در آن زندگی می‌کند و در یک محیط فرهنگی ایجاد شده است.	
The connection between man and the environment is such that this relationship has a symbolic nature and is formed by people through the attachment of emotional meaning.	[40]
ارتباط بین انسان و محیط به‌گونه‌ای است که این رابطه دارای ماهیت نمادین است و توسط افراد از طریق پیوند معنای احساسی شکل می‌گیرد.	
Emotional connection with place	[41, 42]
ارتباط عاطفی با مکان	
Emotional bonds of individuals	[43]
پیوندهای عاطفی افراد	
Emotion (cognition and experience), behavior, place, person	[40]
احساسات (شناخت و تجربه)، رفتار، مکان، شخص	
Cognitive, emotional, and behavioral relationships between people and their socio-physical environment	[44]
روابط شناختی، عاطفی و رفتاری بین افراد و محیط فیزیکی اجتماعی آنها	
A person's sense of ownership of a particular territory because of his or her self-image and social identity	[45]
احساس مالکیت فرد بر قلمرو خاصی به دلیل تصور از خود و هویت اجتماعی او	
Emotional connections	[46]
ارتباطات عاطفی	
Familiarity with the place and from his point of view, belonging to personal experiences and a group of places is	[7]

بازسازی کنند؛ اما، تعدادی دیگر حس بی‌مکانی خود را حفظ خواهند کرد؛ به‌عنوان مثال، در مکان‌های جدیدی که ساکنان انتخاب می‌کنند که به آنجا تعلق داشته باشند، مشکلات فراوانی برای تأمین این حس وجود دارد؛ در حالی که، ساکنان بومی به دنبال کاهش حس عدم تعلق هستند و سعی می‌کنند در مکان به‌عنوان یک فرد غریبه نباشند. تعدادی از پژوهشگران این موضوع را به مدرنیسم منتسب می‌دانند که به دلیل کاهش حس تعلق به مکان‌های بومی، افراد نیاز دارند یک مکان جدید را انتخاب کنند تا بر این اساس حس تعلق شکل بگیرد.

گیولانی و فلدمن انتقادات فراوانی به کمبود توافق بر موضوع تعریف تعلق به مکان دارند. از دیدگاه آنان، نظریه تعلق مکان به‌عنوان رابطه شناختی-عاطفی و رفتاری بین مردم و محیط اجتماعی-فیزیکی است. آنها در پژوهشی به بررسی ۱۹ تعریف مختلف برای تعلق به مکان از سال ۱۹۶۳ پرداخته‌اند که عناصر اصلی این تعریف‌ها عبارتند از عنصر شناختی، عنصر عاطفی و عنصر رفتاری. این ساختار در بیشتر نظریات اغلب محققین قابل مشاهده است. از نگاه بروور تعلق مکانی به‌عنوان احساس تملک‌گرایی یک فرد نسبت به قلمرو ویژه، به دلیل خودتصور و هویت اجتماعی است. از دیدگاه وی شناخت حاصل از خودتصور و هویت اجتماعی حاکی از شکل‌گیری تعلق مکانی خواهد بود [۳۵، ۳۶].

رلف در سال ۱۹۷۶ به‌عنوان جغرافی‌دانی انسان‌گرا، تعلق مکانی را به آشنایی با مکان تعبیر می‌کند. از دیدگاه وی، تعلق داشتن در تجربه‌های فردی و گروهی از مکان‌ها نمود دارد [۷]. آشنابودن به معنای شناختن و شناخته‌شدن در یک مکان خاص است. به‌طور کلی، تعلق داشتن، ریشه‌دار بودن در یک مکان است و آشنایی، نه به‌عنوان یک آگاهی جزئی، بلکه به‌عنوان یک حس مراقبت، نگرانی و آگاهی عمیق از یک مکان است. در واقع، آن آگاهی که ما را به مکان مرتبط می‌کند، می‌تواند در قالب سه اصل هویت، عزت نفس و تمایز یا پیوستگی در نظر گرفته شود. به‌طور کلی، تعریف رلف به دلیل این که شامل سطوح فردی و جمعی است از جامعیت فراوانی برخوردار است. گرسون و همکاران تعلق مکان را به‌عنوان تعهد افراد به هم‌محله‌ای‌ها و محله تعریف می‌کند [۳۷].

براون و پرکینز هم تعلق مکانی را به‌عنوان پیوندهای تجربه شده مثبت بین افراد در یک مکان که گاهی ناآگاهانه در طول زمان بین افراد و گروه‌ها و محیط اجتماعی-کالبدی در حال رخ دادن است، می‌دانند. میلیگان [۲۷] تعلق مکانی را دارای دو جزء می‌داند: خاطره‌ها و تجربه‌ها. خاطره‌هایی از گذشته در یک مکان، که در صورت معنادار بودن این خاطره‌ها، تعلق به آن مکان هم از درجه بالاتری برخوردار خواهد بود. خاطره، عامل تشدید تعلق مکانی است و حتی می‌تواند این تعلق را به تعلق خاطر بدل کند. انسان می‌تواند به‌جایی تعلق داشته باشد بدون این که آنجا را دوست داشته باشد یا از آن متنفر باشد؛ اما، به‌محض این که پای خاطرات به میان می‌آید، به موضع‌گیری احساسی در برابر مکان می‌پردازد [۳۸]. جزء دوم، تجربه‌ها و انتظاراتی هستند که در آینده در

می‌سازد. شناخت و ادراک فرد از یک مکان، از شروط اولیه برای ایجاد حس تعلق به مکان است. بدین منظور، محیط‌هایی با خوانایی و تمایز کالبدی برای استفاده‌کنندگان، جزء محیط‌های مطلوب بوده و ادراک و شناخت بهتری از سوی افراد در آن صورت می‌گیرد. عوامل کالبدی، همچون مشخص نمودن حریم‌ها، حدود مالکیت و همسایگی‌ها، از مهم‌ترین عوامل ادراک مناسب انسانی از محیط هستند که فرد براساس شایستگی‌ها و انگیزش‌های خود به کنکاش و تجربه محیط می‌پردازد [۵۱]. در حقیقت، مکان‌ها بازتاب ارزش‌ها و سبک‌های زندگی هستند. مکان از نظر رلف حاصل معنایی است که در طول زمان و با ادراک حاصل می‌شود. این تعریف از مکان، مسأله‌ای است که به بعد ناآگاهانه و ادراکی از لایه‌های خاموش تجربه افراد اشاره دارد و از آن به‌عنوان حس تعلق به مکان تعبیر می‌شود که به‌صورت ریشه‌دار تجربه می‌شود [۷].



شکل ۲: عوامل تشکیل‌دهنده حس تعلق
Fig. 2: Factors that make up a sense of belonging

عوامل اجتماعی: نقش متغیرهای اجتماعی، نظیر فرهنگ، نمادها و نشانه‌های اجتماعی نیز در حس تعلق از اهمیت بالایی برخوردار است. به‌طوری‌که تا قبل از سال ۱۹۷۸، عمده تحقیقات صورت گرفته بر نقش عوامل اجتماعی در شکل‌گیری این حس متمرکز بوده و متغیرهای کالبدی، جایگاهی در تحقیق نداشتند. محققینی همچون راپاپورت، پروشانسکی، ریجر و لاوراکاس پژوهش‌های خود بر نقش عوامل کالبدی تأکید داشته‌اند؛ اما، اشاره کرده‌اند که عوامل اجتماعی هم از اهمیت برخوردارند. در اصل، انسان‌ها دارای نیاز اجتماعی هستند و در هر نیازهای انسانی، در جستجوی تعلق به خویشاوندان و دوستانند. در این مرتبه از حس تعلق، محیط به‌عنوان بستر فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی قرار دارد. افراد محیط را براساس ساختار شناختی خود کشف، تفسیر و تعبیر می‌کنند. در اصطلاح، انسان‌ها به‌صورت جمعی از محیط رمز گشایی می‌کنند. عوامل کالبدی: این دسته از عوامل، بر اساس نظریه مکان - رفتار به دسته‌بندی محیط به دو عامل مهم فعالیت و کالبد می‌پردازند و کالبد را به همراه متغیرهای فرم و سازماندهی به‌عنوان مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری حس تعلق محیط ارزیابی می‌کنند. شکل، اندازه، مقیاس، رنگ و بافت به‌عنوان ویژگی‌های فرم، نقشی مؤثر در شکل‌گیری حس

reflected. In general, belonging belongs to being rooted in a place and has a good relationship with identity.

آشنایی با مکان و از دیدگاه او، تعلق به تجربیات شخصی و گروهی از مکان‌ها متصور است. به‌طور کلی، تعلق به ریشه دار بودن در یک مکان تعلق دارد و رابطه مناسبی با هویت دارد.

Commitment of individuals to each other and neighborhoods [37]

تعهد افراد نسبت به یکدیگر و محلات

An individual's emotional connection to the environment is considered to be a system of interrelated attitudes, feelings, and behaviors.

ارتباط عاطفی فرد با محیط به‌عنوان سیستمی از نگرش‌ها، احساسات و رفتارهای مرتبط با یکدیگر در نظر گرفته می‌شود.

Positively experienced bonds between individuals in a place that occur over time through behavioral, emotional, and cognitive bonds between individuals and the socio-physical environment. [48]

پیوندهای مثبت بین افراد در مکانی که گاهی در طول زمان از طریق پیوندهای رفتاری، عاطفی و شناختی بین افراد و محیط فیزیکی اجتماعی ایجاد می‌شود.

این یک پیوند عاطفی بین یک فرد و یک مکان فیزیکی است که دو جزء دارد: خاطرات گذشته یک مکان و تجربیات در آینده و انتظارات از آینده

It is an emotional bond between a person and a physical place that has two components: memories of the past of a place and experiences in the future and expectations for the future. [49]

در تعلق به یک مکان، الگوهای رفتاری خاص و انواع تجربیات معنادار رخ می‌دهد و بر معنای داده شده برای یک مکان تأکید می‌کند.

Emotional, social, interpersonal, mental, and self-perceived processes play a key role in shaping the belonging of a place. Emotions shape belonging to a place. [50]

فرایندهای عاطفی، اجتماعی و بین فردی، ذهنی و تصور از خود نقش اساسی در شکل‌گیری تعلق مکانی دارند. احساسات تعلق به مکان را شکل می‌دهد.

Emotional and social success occurs in specific places with specific physical characteristics. Belonging to a place is a kind of emotional and physical attachment to a place. [32]

موفقیت عاطفی و اجتماعی در مکان‌های خاصی با ویژگی‌های کالبدی خاص رخ می‌دهد. تعلق به مکان نوعی وابستگی عاطفی و کالبدی به یک مکان است.

شکل‌گیری حس تعلق باید اذعان نمود که ساختار عوامل شکل‌دهنده یک پدیده، لزوماً مناسب‌ترین ساختار برای سنجش و ارزیابی آن پدیده نیست. براین اساس، در اینجا مهم‌ترین عواملی که در شکل‌گیری حس تعلق مؤثر هستند، بررسی می‌شود. با توجه به بررسی‌های به‌عمل آمده، حس تعلق در مکان برآیند ۳ عامل فرد، دیگران و محیط است. این عوامل در یک فرایند سه‌گانه، حس تعلق را ایجاد می‌کنند (شکل ۲). بسیاری از عواملی که در تحقیقات دیگر محققان ذکر می‌شود، در چارچوب این فرایندهای سه‌گانه ایجاد می‌شوند.

عوامل فردی: حس تعلق ترکیبی پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت‌های محیطی است که شخص یا گروه به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از یک مکان خاص ادراک می‌کنند. این معنا که عمدتاً بر پایه ارتباط عاطفی فرد با محیط قرار دارد، در طراحی به‌صورت نمود کالبدی، خود را آشکار

شکل‌گیری حس تعلق

شکل‌گیری حس تعلق ترکیبی پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت‌های محیطی است که شخص یا گروه به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از یک مکان خاص ادراک می‌کنند. این معنا که عمدتاً بر پایه ارتباط عاطفی فرد با محیط قرار دارد، در طراحی به‌صورت نمود کالبدی، خود را آشکار

شکل‌گیری حس تعلق ترکیبی پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت‌های محیطی است که شخص یا گروه به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از یک مکان خاص ادراک می‌کنند. این معنا که عمدتاً بر پایه ارتباط عاطفی فرد با محیط قرار دارد، در طراحی به‌صورت نمود کالبدی، خود را آشکار

که حس مکان را شامل سه مؤلفه «کالبد»، «فعالیت» و «معنی» می‌داند. این مؤلفه‌ها در نظریه‌های مطرح در حوزه طراحی، از اهمیت بالایی برخوردارند؛ یعنی، می‌توان بدین صورت نتیجه‌گیری نمود که سنجش حس تعلق با استفاده از این سه مؤلفه، مبین کیفیت طراحی این محیط‌ها است.

چهارچوب نظری تحقیق

مکان، مفهومی کلیدی در حوزه طراحی محیط است. این مفهوم، به‌تازگی مورد توجه محققان معماری، به‌ویژه پدیدارشناسان قرار گرفته است. تبیین مفهوم مکان، راه‌کاری برای حل مسائل مهم در حوزه معماری است. توان (Tuan) [۵۶] معتقد است مکان عبارت است از محیطی که برای انسان دارای حداقل یک معنا یا مفهوم است. پس حس تعلق می‌تواند یکی از معانی مکان باشد؛ اگرچه حس تعلق در سطحی بالاتر از حس مکان شکل می‌گیرد. این حس، ترکیبی از معانی و نمادها و کیفیت‌های محیطی است که می‌توان آن را در طراحی با کمک عناصر کالبدی محیط نمایان ساخت [۳۱]. در نظریه‌ای که توسط دیوید کانتر [۵۷] ارائه شده است، هر مکان با سه مؤلفه تبیین می‌شود که شامل ویژگی‌های کالبدی، فعالیت‌ها و تصورات است. بعدها پونتر [۵۸] نظریه مکان کانتر را به‌عنوان مدلی برای تبیین حس تعلق به‌کار گرفت. براساس مدل کانتر، سه مؤلفه «کالبد»، «فعالیت» و «معنی» به‌عنوان اجزای شکل‌دهنده حس تعلق عمل می‌کنند. مدل پونتر توانسته است میان ساختار مفهومی مکان و حس تعلق ارتباط برقرار کند. نتیجه این قرابت، این است که حس تعلق در قالب کیفیات سازنده مکان قابل ارزیابی است و از این‌رو می‌تواند به طرز مؤثرتری در خلق فضا و در حیطه طراحی تفسیر و تبیین شود. در این تحقیق، حس تعلق با به‌کارگیری نظریه کانتر و مدل پونتر و با واکاوی کلمات کلیدی تحقیق و متناظر با سه سامانه تعریف‌کننده مکان، یعنی سه مقوله عملکرد، رفتار و تجارب دانش‌آموزان در کانون بررسی قرار گرفته است (شکل ۳). مطابق با مفاهیم اساسی برگرفته از ادبیات فنی، این سه مفهوم به‌عنوان مبنای ارزیابی و ارتقای تعلق به مکان در بین دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی تعیین شده است. حس تعلق به‌عنوان متغیر وابسته، به‌صورت جداگانه در پرسش‌نامه مورد سنجش واقع شده و ابعاد کالبدی، عاطفی و رفتاری مکان به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است که براساس تعریف عملیاتی هر کدام، شاخص‌هایی برای آن تدوین گردیده است. البته در تبیین چارچوب نظری تحقیق، متغیرهای اولیه‌ای، نظیر خصوصیات فرهنگی، اقتصادی و فردی متصور است که در پروسه موردپژوهی و انتخاب جمعیت مشارکت‌کننده، برای مهار آنها تلاش شد تا تأثیر این عوامل در تحقیق کاهش یابد.

روش تحقیق

از آنجا که هدف پژوهش، تعیین روابط علی حس تعلق، بر ابعاد کالبدی و عاطفی و بررسی تفاوت‌های حس تعلق در دو الگوی مدرسه مدرن و

تعلق دارند. همچنین، تعلق مکانی در معماری، از طریق قلمرو و با تمایز از نواحی و فضاهای اطراف یا جداسازی کالبدی شکل می‌گیرد [۵۲]. از نظر کریستین نوربرگ شولتز، تعلق مکانی در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند و شخصیت محیطی از چیزهایی ملموس ساخته شده که دارای مصالح، رنگ و بافت است [۵۳].

سنجش حس تعلق

همان‌طور که در بخش قبلی بیان شد؛ حس تعلق طی فرایندی مستمر میان محیط، فرد و سایرین (اجتماع) شکل می‌گیرد. اما این فرایند سه‌گانه، دارای برون‌دادهای متعددی است که سنجش آن را با مشکلاتی مواجه می‌کند؛ زیرا، ساختار حس تعلق لزوماً چارچوبی مناسب برای سنجش آن نیست. نخستین مسأله برای تعیین ساختار مناسب سنجش حس تعلق، هدف سنجش است. در تحقیقاتی که رفتار در کانون توجه قرار دارد، ابعادی از تعلق مورد سنجش قرار می‌گیرد که لزوماً برای یک طراح یا معمار کاربردی نخواهد بود. در جدول (۲) معیارهای مورد توجه محققان مختلف ذکر شده است. می‌توان مشاهده نمود که معیارهای سنجش، اگرچه با سه عامل محیط، فرد و اجتماع در ارتباط است؛ اما، به جنبه‌ای خاص از برون‌دادهای رفتاری، ادراکی و حتی اجتماعی حس تعلق دلالت دارد.

جدول ۲. معیارهای سنجش حس تعلق

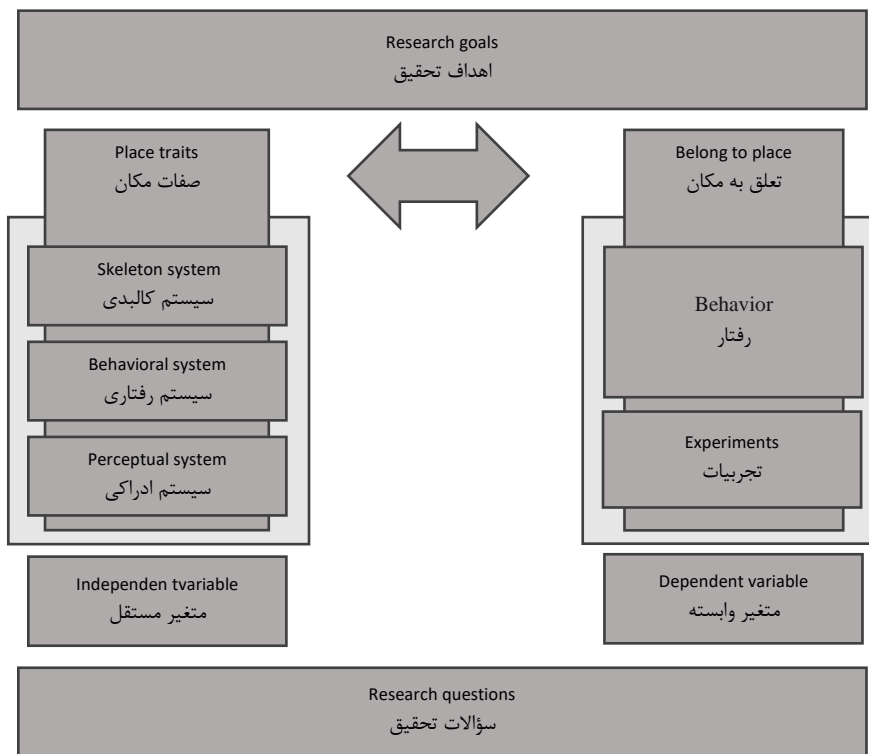
Table 2: Criteria for measuring sense of belonging	
Criteria for measuring the sense of belonging	Researcher
معیارهای سنجش حس تعلق	محقق
Ownership	[45] مالکیت
Membership, distinction, dependence on individuals	[54] عضویت، تمایز، وابستگی به افراد
Security, self-esteem	[30] امنیت، عزت نفس
Meanings	[53] معانی
Care and support, social connection	[24] مراقبت و حمایت، ارتباط اجتماعی
Social connection, ownership, self-esteem, satisfaction	[55] ارتباط اجتماعی، مالکیت، عزت نفس، رضایت
Meanings, environmental detection	[29] معانی، تشخیص محیط
Environmental detection, ownership	[51] تشخیص محیط، مالکیت
Memory	[49] خاطره
Commitment	[37] تعهد

با توجه به این که هدف این پژوهش، بهبود طراحی محیط‌های آموزشی است؛ مؤلفه‌هایی برای سنجش حس تعلق مناسب هستند که در ادراک محیط نقشی مؤثر بازی می‌کنند. این مؤلفه‌ها، مؤلفه‌هایی هستند که در صورت بهبود آن‌ها، کیفیت ادراک محیط نیز دست‌خوش تغییر خواهد شد. یکی از نظریاتی که مؤلفه‌های سنجش حس تعلق را با توجه به اهداف این تحقیق مطرح نموده است، نظریه جان پونتر (Punter) است

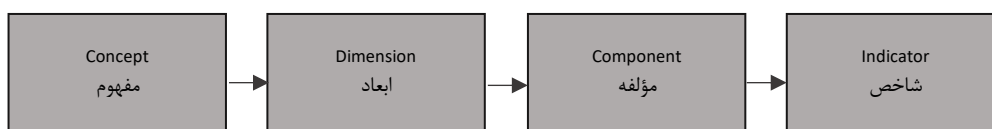
تدوین ابزار پژوهش
 برای ساخت ابزار تحقیق (پرسش‌نامه) ابتدا مفهوم حس تعلق به ابعاد و مؤلفه‌های آن تجزیه و در نهایت به شاخص‌های قابل سنجش تبدیل شده است. در هسته فرایند تدوین ابزار تحقیق (پرسش‌نامه)، از روش ارزیابی روایی محتوایی-Content Validity Ratio (CVR) استفاده شده است [۶۰]. این روش برای ارزیابی روایی محتوایی از نظر متخصصان استفاده می‌شود. هدف این روش، تعیین این مسأله است که آیا محتوای ابزار تدوین شده هماهنگی لازم را با هدف پژوهش، یعنی متغیرهای مورد سنجش داراست یا خیر. ارزیابی روایی در این شیوه به صورت کمی و یا کیفی انجام می‌شود که در تحقیق حاضر از روش کیفی چند مرحله‌ای استفاده شده است. در این روش به طور معمول از طیف سه‌گانه استفاده می‌شود و سپس نتایج با استفاده از رابطه ۱ مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این رابطه n_E تعداد متخصصان یا خبرگانی است که یک آیتم را ضروری می‌دانند و N تعداد کل متخصصانی است که در آزمون شرکت کرده‌اند.

سنتی است؛ پس تحقیق از نظر هدف بنیادی است که بخش اول آن در قالب روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است و بخش دوم آن به صورت پیمایشی (کمی) انجام شده است که از نظر ماهیت، تحقیقی آمیخته را شکل می‌دهد. در بخش اولیه، با استفاده از بررسی پیشینه فنی، بررسی نظریات و یافته‌های منتشر شده صاحب‌نظران (کتابخانه‌ای) انجام شده است. در این بخش، مفهوم حس تعلق طبق شکل (۴) تا رسیدن به شاخص‌های قابل سنجش، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این فرایند تضمین می‌کند تا ابزار سنجش برای مفهوم حس تعلق، پیوند مستحکمی با مبانی نظری و پیشینه فنی آن داشته باشد.

پس از انجام بخش اولیه، یافته‌های آن در بخش دوم، یعنی بخش پیمایشی و کمی، برای تدوین ابزار سنجش (پرسش‌نامه محقق ساخته) به کار گرفته شده است. در این مرحله پس از تدوین نسخه اولیه پرسش‌نامه، فرایندی همگرا برای ارزیابی اعتبار این ابزار طی شده است که در ادامه فرایند این بررسی بیان می‌شود.



شکل ۳: چارچوب نظری تحقیق
 Fig.3: The theoretical framework of research



شکل ۴: فرایند تجزیه حس تعلق به شاخص‌های قابل ارزیابی [۵۹]
 Fig.4: The process of analyzing the sense of belonging to measurable Indicator

شده، معیار معناداری برای نمونه مطالعاتی در سطح کوچک‌تر از ۰/۰۵ تعیین شده است. در این پژوهش از تکنیک رگرسیون خطی چندگانه برای بررسی وجود رابطه میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل و همچنین شدت و جهت آن استفاده شده است. نتایج آزمون کولموگراف-اسمیرنف به صورت جدول ۳ آمده است:

جدول ۳: آزمون کولموگراف-اسمیرنف

Table 3: Kolmogorov-Smirnov test

Belonging variable	
متغیرهای تعلق	
298	Number تعداد
3.272	Test statistics z آماره Z
00	Significance level سطح معناداری

با توجه به نرمال نبودن توزیع داده‌ها برای مقایسه میانگین حس تعلق در سه الگوی دبیرستان (خطی، گسترده و متمرکز)، از آزمون F و کروسکال والیس استفاده شد. اگرچه به دلیل قابل قبول بودن تعداد نمونه‌ها، می‌توان از آزمون‌های پارامتری دیگری نیز استفاده کرد. با توجه به اینکه عدد معناداری پایین‌تر از ۰/۰۵ است، نتایج نشان می‌دهد تفاوت معنی‌داری بین سه میانگین وجود دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که میانگین حس تعلق بین دو الگوی خطی و گسترده و الگوی خطی و متمرکز، تفاوت معنی‌داری دارد؛ اما، بین دو الگوی متمرکز و گسترده تفاوت معنی‌داری وجود ندارند. در واقع، در الگوی خطی که دارای معماری سنتی است، میانگین حس تعلق بهتر از الگوهای دیگر است و در الگوی گسترده به دلیل معماری مدرن، پایین‌تر است. در الگوی خطی به دلیل کیفیت سنتی، احساس تعلق بیشتر است و دانش‌آموزان تعلق خاطر بیشتری به این ساختمان دارند. همچنین با توجه به میزان تعلق خاطر محاسبه‌شده بین دانش‌آموزان به مدرسه در دو الگوی سنتی و مدرن تحلیل‌ها نشان می‌دهد که ۳۳ درصد دانش‌آموزان دارای میزان تعلق خاطر متوسطی به محیط مدرسه خود هستند و ۵۲ درصد، میزان تعلق بالاتر از حد متوسط به محیط مدرسه دارند و ۱۲/۵ درصد دارای میزان تعلق خاطری پایین‌تر از حد متوسط هستند. در واقع، میزان تعلق خاطر به مدرسه از وضعیت مناسبی برخوردار است. بنابراین، باید گفت دانش‌آموزان دارای یک حس تعلق مکانی قوی به محل تحصیل‌شان هستند و علاقه زیادی به محل تحصیل خود دارند (جدول ۴).

همان‌گونه که قبلاً بیان شد، با توجه به اینکه تعداد جامعه آماری زیاد است، می‌توان از آزمون‌های پارامتری در تحلیل نتایج استفاده کرد. پس از بررسی رابطه شاخص‌های خرد پژوهش، نتایج تفصیلی مرتبط با رابطه مؤلفه‌های سه‌گانه با احساس تعلق از سوی دانش‌آموزان در شهر بجنورد، شامل ضریب همبستگی، ضریب تعیین، ضریب تعیین تعدیل شده و انحراف معیار به شرح جدول (۴) ارائه شده است. با توجه به ضریب همبستگی چندگانه محاسبه شده می‌توان گفت بین متغیرها همبستگی قوی وجود دارد و به دلیل امکان پیش‌بینی متغیر وابسته به وسیله همین متغیرها، نیازی به اضافه کردن متغیر مستقل دیگری نیست.

برای تأیید هر آیتم لازم است نتیجه حاصل از این رابطه، بیشتر از یک عدد معیار باشد. عدد معیار، وابسته به تعداد متخصصین و خبرگانی است که در پژوهش مشارکت دارند. بسته به تعداد خبرگان این عدد برای استفاده از نظر ۵ خبره، ۹۵ درصد است که می‌توان آن را به معنای توافق کامل در نظر گرفت و برای استفاده از نظر ۴۰ خبره تا ۳۰ درصد کاهش می‌یابد.

$$CVR = \frac{n_E - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

رابطه ۱: رابطه تعیین نسبت روایی محتوایی [۶۰]

Equation 1: Calculation of the content validity ratio

در این روش درصدهای ضروری برای تأیید روایی نشان می‌دهد که در صورت استفاده از تعداد معدودی از متخصصین یا خبرگان، نیاز به توافق کلی بر سر هر آیتم وجود دارد. به همین دلیل و با توجه به تعداد خبرگانی که در این پژوهش شرکت داشته‌اند (۲۰ نفر)، از فرض توافق بر سر آیتها استفاده شده و با کمی تفاوت نسبت به روش اصلی، آیتها با طیف دوگانه مورد بررسی قرار گرفته است. بدین صورت که برای بررسی ضرورت هر آیتم، پرسش‌نامه و متغیرهایی که باید توسط آن آیتم مورد سنجش قرار گیرند، در قالب جدول هدف-محتوا تدوین گردیده، سپس از خبرگان و متخصصان و معماران با تجربه درخواست شده تا استدلال خود را در مورد ضرورت هر آیتم بیان کنند؛ به عبارتی هر آیتم (پرسش) از ابزار تحقیق براساس ضرورت در دو طیف «ضروری است» یا «ضرورتی ندارد» طبقه‌بندی شده است. سپس در مورد آیتم-هایی که اتفاق نظر بر سر آنها وجود نداشته است، بررسی بیشتری در ادبیات تخصصی صورت گرفته و پس از اصلاح آیتم، ضرورت یا عدم ضرورت وجود آن آیتم دوباره مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان این فرایند، سؤالاتی که ضرورت آنها مورد توافق قرار گرفته است، در ساختار پرسش‌نامه واقع شده و این فرایند برای سایر آیتها تا حصول نتیجه ادامه یافته است.

حاصل این فرایند، تدوین پرسش‌نامه‌ای با ۱۶ آیتم است که در مرحله بعد برای بررسی پایایی پرسش‌نامه و نیز تعیین حجم نمونه، تعداد ۶۶ پرسش‌نامه به‌عنوان نمونه آزمایشی در دبیرستان‌ها تکمیل گردید. میزان آلفای کرونباخ این نمونه آزمایشی، ۰/۸۴۳ است و براساس انحراف معیار حاصله از نمونه آزمایشی و با دقت ۹۵ درصد حجم نمونه برابر با ۳۰۰ است. در نهایت ۲۹۸ پرسش‌نامه مورد تجزیه و تحلیل واقع شد. جامعه آماری پژوهش شامل دانش‌آموزان سه دبیرستان با الگوی خطی، متمرکز و گسترده در شهر بجنورد است که الگوی خطی دارای معماری سنتی و الگوی متمرکز و گسترده، دارای معماری مدرن هستند.

نتایج و بحث

در تحلیل نتایج از آزمون کولموگراف-اسمیرنف برای تعیین نرمال بودن یا نبودن توزیع داده‌ها استفاده شد. با توجه به محاسبات مقادیر انجام

رگرسیون $0/208$ و سطح معنی داری $0/004$ ابعاد عاطفی-روانی است؛ بدین معنی که با افزایش میزان ابعاد عاطفی در محیط، احتمال ارتقای احساس تعلق در فضای مدرسه به صورت معنی داری افزایش می یابد. به عبارت دیگر، با افزایش یک واحد در متغیر عاطفی-روانی، میزان احساس تعلق $0/208$ واحد افزایش خواهد داشت. همچنین، متغیر ابعاد فعالیتی با عدد $0/206$ و سطح معنی داری $0/001$ در میزان تبیین کنندگی و ارتقای احساس تعلق در دبیرستان های بجنورد تأثیر دارد.

همچنین، تحلیل ها نشان می دهد که بیشترین میانگین رضایت مندی از امکانات، مربوط به گویه «افراد در این مدرسه تعهد لازم را نسبت به مکان دارند و به دنبال بهبود این مکان هستند»، با میانگین $3/87$ و گویه «مکان شناسایی و تشخیص محیط برای من وجود دارد» با میانگین $3/79$ و گویه «در این مکان ارتباط اجتماعی خوبی با بقیه افراد دارم» با میانگین $3/65$ است و کمترین میانگین مربوط به گویه «احساس مالکیت نسبت به مکان دارم» است با میانگین $2/21$ و گویه «رضایت مندی از مکان» با میانگین $2/77$ و گویه «در این مکان احساس آسایش می کنم» با میانگین $2/92$ است.

رابطه زیر شاخص های معطوف به متغیر مستقل، با احساس تعلق دانش آموزان

به منظور سنجش رابطه مؤلفه متغیر مستقل با میزان احساس تعلق از سوی دانش آموزان، بیست شاخص منتج از چهارچوب نظری پژوهش استخراج و نتایج آن مطابق جدول ۹ ارائه گردید. مطابق با ضرایب رگرسیونی محاسبه شده برای ۱۶ شاخص پرسش نامه از تکنیک رگرسیون استفاده شد و هر ۱۶ شاخص به تحلیل رگرسیون وارد شدند. تحلیل ها نشان می دهد که گویه های «این مکان را می توانم با توجه به سلیقه خودم چیدمان کنم» از مؤلفه مالکیت، سپس گویه «معنی مکان» از مؤلفه معنی و درنهایت گویه «در این مکان افراد مراقبت و حمایت لازم را نسبت به هم انجام می دهند» از مؤلفه مراقبت به ترتیب با کسب بتای $0/186$ ، $0/173$ و $0/139$ در سطح معنی داری زیر $0/05$ رابطه مستقیم و معنی دار با احساس تعلق دانش آموزان در دبیرستان های شهر بجنورد دارند و دیگر شاخص ها به صورت غیرمستقیم بر احساس تعلق تأثیر دارند. به عبارتی، این سه زیرشاخص، سطح بالایی از امکان پیش بینی موفقیت در مؤلفه احساس تعلق را دارند.

جدول ۴: حس تعلق خاطر

Table 4: Sense of belonging

Result	Frequency	Percent	Valid percent	Cumulative percent
نتیجه	بسامد	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
Null	4	1.3	1.3	1.3
پوچ				
Very low	16	5.4	5.4	6.7
خیلی پایین				
Low	21	7.0	7.0	13.8
پایین				
Medium	97	32.6	32.6	46.3
متوسط				
Much	92	30.9	30.9	77.2
زیاد				
Very much	68	22.8	22.8	100.0
خیلی زیاد				
Total	298	100.0	100.0	
مجموع				

از نظر میزان همبستگی، یعنی نسبت میان ضریب تعیین به مجذور ضریب (R Square) که میزان تبیین واریانس و تغییرات متغیر وابسته توسط مجموعه متغیرهای مستقل را نشان می دهد، نتایج متوسطی حاصل شده است. مقدار ضریب تعیین در معادله حاضر، معادل $0/300$ محاسبه شده که میزان واریانس متغیر وابسته را مشخص می کند و از طرفی با توجه به مقدار آن می توان ادعا کرد که تا حدود زیادی قادر به تبیین واریانس متغیر وابسته هستند. ضریب تعدیل شده (Adjusted R Square) نیز بیان می دارد که ۳ مؤلفه در نظر گرفته شده، در این مدل برای سنجش احساس تعلق مناسب هستند (جدول ۵).

برای تعیین معنی داری مدل، از آنالیز واریانس و آماره F استفاده شده است. همان طور که در جدول (۶) ملاحظه می شود، سطح معناداری آنالیز واریانس کمتر از $0/05$ و دال بر معناداری مقدار F برای مدل است. در این صورت متغیرهای مستقل، ترکیب خطی و مستقلی به متغیر وابسته دارند.

جدول ۵، ضرایب تأثیر رگرسیونی متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته (احساس تعلق) نشان می دهد. با توجه به نتایج به دست آمده، ابعاد محیطی با ضریب بتا $0/243$ و سطح معنی داری صفر، بالاترین همبستگی را با میزان احساس تعلق نشان می دهد. بنابراین، میزان احساس تعلق در بین متغیرهای پژوهش در مرحله اول، متأثر از ابعاد کالبدی و شاخص های مرتبط با آن است. دومین متغیر با ضریب تأثیر

جدول ۵: آماره های رگرسیون

Table 5: Regression statistics

Durbin watson	Estimate the standard error	Determination coefficient	The correlation coefficient
آماره دوربین واتسون	خطای استاندارد	ضریب تعیین	ضریب همبستگی
1.532	0.97	0.300	0.548

جدول ۶: جدول آنالیز واریانس

Table 6: Analysis of Variance

P-value	F	Average of squares	Degrees of freedom	Sum of squares	
پی ویلیو	آماره f	میانگین مربع	درجه آزادی	مربع مجموع	
0	41.963	39.560	3	118.680	Model مدل
		0.943	294	277.162	Error خطا
			297	395.842	Total مجموع

جدول ۷: برآورد ضرایب

Table 7: Estimation of coefficients

Model	Unstandardized coefficients		Standardized coefficients	T	Sig.
مدل	استاندارد نشده		استاندارد شده	آماره تی	معنی داری
	B	Std. Error	Beta		
(constant)	.368	.295		1.250	.212
ثابت					
Activity dimensions	.257	.075	.206	3.439	.001
ابعاد فعالیتی					
Environmental dimensions	.353	.092	.243	3.852	.000
ابعاد محیطی					
Emotional dimensions	.354	.121	.208	2.930	.004
ابعاد عاطفی					

جدول ۸: ضریب رگرسیونی

Table 8: Regression coefficient

Model	Unstandardized coefficients		Standardized coefficients	T	Sig.
مدل	استاندارد نشده		استاندارد شده	آماره تی	معنی داری
	B	Std. Error	Beta		
(constant)	.474	.348		1.360	.175
ثابت					
Social connection	.134	.068	.134	1.950	.052
پیوند اجتماعی					
Environmental detection	-.037	.062	-.038	-.604	.546
تشخیص محیط					
Comfort	.113	.060	.120	1.872	.062
آسایش					
Special meaning	.164	.067	.173	2.442	.015
معنی ویژه					
Satisfaction	.013	.054	.016	.250	.803
رضایت					
Feeling of ownership	.039	.052	.046	.759	.449
حس مالکیت					
I can arrange this place according to my own taste	.141	.047	.186	2.983	.003
من می توانم این مکان را مطابق سلیقه خودم مرتب کنم					
A special memory	.035	.054	.047	.648	.518
یک خاطره خاص					
The disappearance of this place is painful for me	.048	.064	.049	.751	.454
از بین رفتن این مکان برای من دردآور است					
Possibility of membership	.020	.072	.020	.277	.782
امکان عضویت					
Part of a community	.060	.069	.055	.862	.389
بخشی از اجتماع					
Ability to distinguish between people	.050	.054	.056	.932	.353

حس تعلق
Sense of belonging

امکان تمایز میان مردم	Meeting needs	-0.006	.069	-0.007	-0.092	.926
رفع نیازها	Care and support	.146	.073	.139	2.005	.046
مراقبت و حمایت	Necessary commitment	-0.021	.063	-0.021	-.328	.744
تعهد ضروری	Necessary commitment to the place	-0.032	.071	-0.028	-.446	.656
تعهد لازم به محل						

جدول ۹: اولویت‌بندی شاخص‌های معطوف به متغیر مستقل با احساس تعلق دانش‌آموزان
 Table 9: Prioritizing indicators based on independent variables with students' sense of belonging

	Sense of belonging	Number	Average rank		Sense of belonging	Number	Average rank
	حس تعلق	تعداد	نمره متوسط		حس تعلق	تعداد	نمره متوسط
Necessary commitment	1.00	16	71.47	Furniture arrangement	1.00	16	56.63
تعهد ضروری	2.00	21	131.67	چینش مبلمان	2.00	21	112.69
	3.00	94	121.29		3.00	97	132.10
	4.00	89	169.83		4.00	90	161.73
	5.00	67	162.75		5.00	66	175.05
	Total	287	453.87		Total	290	468.88
Social connection	1.00	16	95.00	Special memory	1.00	16	64.44
پیوند اجتماعی	2.00	21	99.86	خاطره ویژه	2.00	21	91.02
	3.00	97	125.63		3.00	97	140.19
	4.00	91	160.51		4.00	92	154.43
	5.00	68	186.20		5.00	67	183.93
	Total	293	472.34		Total	293	478.55
Environmental detection	1.00	16	139.69	Being painful	1.00	16	84.22
تشخیص محیط	2.00	21	98.43	دردناکی	2.00	21	110.45
	3.00	97	134.78		3.00	94	122.41
	4.00	91	155.22		4.00	91	161.60
	5.00	68	170.15		5.00	67	179.49
	Total	293	460.15		Total	289	463.5
Comfort	1.00	16	76.22	Possibility of membership	1.00	16	95.25
راحتی	2.00	21	100.83	توانایی عضویت	2.00	21	106.14
	3.00	97	128.33		3.00	97	130.58
	4.00	90	158.93		4.00	92	151.70
	5.00	66	183.43		5.00	65	186.32
	Total	290	470.69		Total	291	468.6
Meaning	1.00	16	76.56	Part of a community	1.00	16	68.94
معنی	2.00	21	115.21	بخشی از اجتماع	2.00	21	131.00
	3.00	97	123.65		3.00	94	130.16
	4.00	92	157.15		4.00	89	151.75
	5.00	68	195.12		5.00	66	173.42
	Total	294	475.92		Total	286	455.33
Satisfaction	1.00	16	157.78	Ability to distinguish between people	1.00	16	89.81
رضایت	2.00	21	92.19	توانایی تمایز میان مردم	2.00	21	106.24
	3.00	94	113.06		3.00	97	132.54
	4.00	90	162.57		4.00	88	147.72
	5.00	68	179.21		5.00	67	184.79
	Total	289	454.84		Total	289	465.05
Feeling of ownership	1.00	16	98.91	Commitment to the place	1.00	16	104.69

احساس مالکیت	2.00	21	134.76	تعهد به محل	2.00	19	140.89
	3.00	96	137.24		3.00	96	135.80
	4.00	91	148.90		4.00	88	141.10
	5.00	66	167.54		5.00	66	165.91
	Total	290	453.68		Total	285	442.81
Care and support مراقبت و حمایت	1.00	16	43.94	Meeting needs تأمین نیازها	1.00	16	73.88
	2.00	19	101.84		2.00	21	107.55
	3.00	94	133.20		3.00	96	132.08
	4.00	91	165.20		4.00	92	159.33
	5.00	67	166.21		5.00	67	179.09
Total	287	464.61			470.5		

جدول ۱۰: بررسی رابطه علیت بین ابعاد کالبدی و اجتماعی مکان با احساس تعلق افراد به مدرسه

Table 10: Investigating the causal relationship between physical and social dimensions of place with people's sense of belonging to school

Model مدل	Unstandardized coefficients استاندارد نشده		Standardized coefficients استاندارد شده	T آماره تی	Sig. معنی داری
	B	Std. Error	Beta		
(constant) ثابت	1.019	.288		3.541	.000
Being painful دردناکی	.089	.059	.089	1.509	.133
Possibility of membership امکان عضویت	.159	.062	.157	2.559	.011
Part of a community بخشی از اجتماع	.104	.066	.093	1.574	.117
Feeling of ownership احساس مالکیت	.089	.046	.106	1.934	.054
Furniture arrangement چینش مبلمان	.161	.044	.209	3.692	.000
Care and support مراقبت و حمایت	.193	.065	.179	2.959	.003

مؤلفه‌های دیگر به‌طور غیرمستقیم بر احساس تعلق تأثیر دارند؛ به‌عنوان مثال، گویه «جزئی از اجتماع بودن» و گویه «احساس مالکیت در این مکان» با ضرایب رگرسیونی ۰/۱۶۲ و ۰/۱۴۸ بر امکان چیدمان فضا با سلیقه شخصی و در نهایت بر احساس تعلق تأثیر دارند.

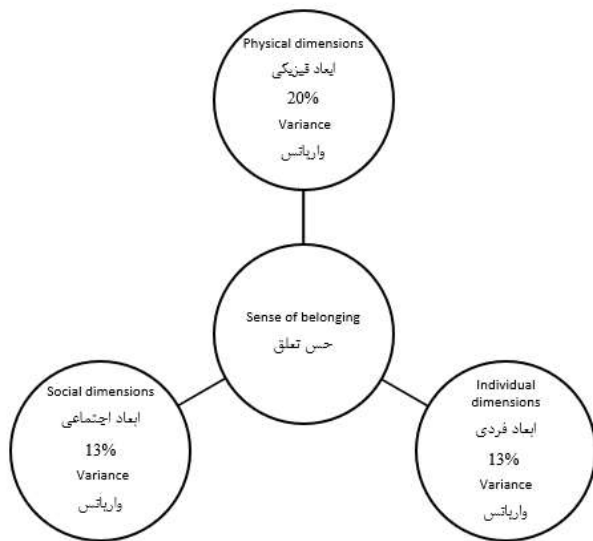
نتیجه‌گیری

حس تعلق هم یک مفهوم است و هم یک تجربه. این حس دارای جنبه‌هایی ذهنی و عینی است. وجود چهارچوب نظری مشخص برای بررسی این مفهوم ضروری است و بدون وجود این چهارچوب تعریف صحیح از حس تعلق دشوار خواهد بود. در چهارچوب نظری این تحقیق، حس تعلق دارای ابعاد کالبدی، ابعاد عملکردی-فعالیتی و ابعاد روانی-معنایی است. مقایسه حس تعلق بین دو الگوی سنتی و مدرن نشان می‌دهد که در الگوی سنتی به دلیل کیفیت خاص مدرسه سنتی، احساس تعلق بیشتر است؛ به عبارت دیگر، دانش‌آموزان تعلق خاطر بیشتری به ساختمان قدیمی‌تر دارند. همچنین، با توجه به میزان تعلق خاطر پیرامون دو الگوی مختلف مدارس، تحلیل‌ها نشان می‌دهد که یک سوم دانش‌آموزان، دارای میزان تعلق خاطر متوسط به محیط مدرسه خود هستند و بیش از نیمی از دانش‌آموزان میزان تعلق بالاتر از متوسط به محیط مدرسه دارند و کمی بیش از یک دهم از آنها دارای میزان

میانگین رتبه‌بندی زیرشاخص‌ها با آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد زمانی که احساس تعلق متوسط به بالاست، گویه خاطره خاص با میانگین رتبه ۴۷۸/۵۵ در بالاترین مرتبه قرار دارد و گویه وابستگی با میانگین رتبه ۴۷۸/۳۳ در مرتبه بعدی قرار می‌گیرد. این موضوع نشان می‌دهد که در احساس تعلق متوسط به بالا، افراد خاطره خاصی در مکان دارند و وابستگی به مکان پیدا می‌کنند. همچنین، میانگین رتبه‌ها نشان می‌دهد زمانی که احساس تعلق بالاست، «مکان معنی خاصی برای من دارد» با میانگین رتبه ۱۹۵ دارای بالاترین میانگین رتبه است و گویه «افراد در این مکان به یکدیگر تعهد دارند»، با میانگین رتبه ۱۶۶ دارای پایین‌ترین میانگین رتبه است.

سرانجام، نظر به اهمیت ابعاد محیطی و عاطفی در احساس تعلق و با توجه به هدف پژوهش برای بررسی رابطه بین ابعاد محیطی و عاطفی و احساس تعلق، مؤلفه‌های «احساس مالکیت» از ابعاد محیطی و مؤلفه «عضویت و مراقبت» از ابعاد عاطفی انتخاب شد و مورد تحلیل رگرسیون قرار گرفت. تحلیل‌ها در این قسمت نشان می‌دهد که امکان عضویت در گروه‌های اجتماعی، چیدمان فضا با سلیقه شخصی و مراقبت و حمایت با عدد بتای به ترتیب ۰/۱۵۷، ۰/۲۰۹ و ۰/۱۷۹ دارای بالاترین رابطه رگرسیونی با احساس تعلق هستند که عدد معناداری آنها پایین‌تر از ۰/۰۵ بوده است و به‌طور مستقیم بر احساس تعلق تأثیر دارند و

جمله آلتمن و لائو همسو است. در این دیدگاه، نظریه «تعلق به مکان» نظریه‌ای پیرامون پویایی‌های رابطه میان مردم و محیط اجتماعی-فیزیکی آن‌ها است که دارای ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری عمیقی است.



شکل ۵: واریانس‌های تشکیل‌دهنده ابعاد حس تعلق
Fig. 5: Constituent variances of the dimensions of the sense of belonging

مشارکت نویسندگان

میزان مشارکت نویسنده اول ۴۰ درصد شامل مقدمه، پیشینه، روش، نتایج و بحث و نتیجه‌گیری مقاله است. نویسنده دوم ۳۰ درصد و شامل پیشینه، روش، نتایج و بحث و نتیجه‌گیری مقاله است. نویسنده سوم ۳۰ درصد و شامل پیشینه، روش، نتایج و بحث و نتیجه‌گیری مقاله است.

تشکر و قدردانی

از اعضای هیأت علمی و دانشجویان دانشگاه بجنورد که در این پژوهش همکاری نمودند، قدردانی می‌شود.

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است».

منابع و مأخذ

- [1] Heidari AA, et al. Physical dimension analysis of the sense of belonging to a place in traditional houses and modern residential complexes. *Fine Art*. 2014; 19(3): 75-86. Persian.
- [2] Safian M, et al. Cognitive-hermeneutic study of the relationship between place and architectural art. *Philosophical Investigations*. 2011; (8): 129-93. Persian.
- [3] Partovi P. Phenomenology of place. Tehran: Matin; 2013. Persian.

تعلق خاطر پایین‌تر از متوسط هستند. در واقع میزان تعلق خاطر به مدرسه از وضعیت مناسبی برخوردار است. بنابراین، باید بگوییم دانش‌آموزان دارای حس تعلق مکانی مناسب به محل تحصیلشان هستند.

تحلیل‌های انجام شده درباره تأثیر مؤلفه‌های سه‌گانه حس تعلق و پرسش‌های ۱۶ گانه و ضرایب رگرسیون، حاکی از آن است که ابعاد محیطی و شاخص‌های مرتبط با آن از جمله احساس مالکیت، بیشترین همبستگی را با احساس تعلق دانش‌آموزان دارد. به‌طور دقیق، ۲۰ درصد واریانس احساس تعلق توسط ابعاد کالبدی تأمین می‌شود؛ یعنی ۲۰ درصد از تغییرات حس مکان وابسته به ابعاد کالبدی است. این نکته، تأییدکننده سایر تحقیقاتی است که در این زمینه انجام شده است و نشان‌دهنده اهمیت ابعاد کالبدی است. احساس تعلق علاوه بر جنبه کالبدی یک نوع موفقیت عاطفی و اجتماعی است که در مکان‌هایی روی می‌دهد که دارای ویژگی‌های کالبدی خاص هستند. به تعبیر دیگر، تعلق به مکان نوعی دل‌بستگی عاطفی و کالبدی به یک مکان است. به‌طور دقیق‌تر، جنبه کالبدی تعلق به مکان برگرفته از عناصر و اجزای فیزیکی محیط است که در فرایند شناخت مکان دخالت دارد. جنبه کالبدی، هنگامی که با مالکیت یا قلمرو ترکیب می‌شود تأثیری دوچندان می‌یابد؛ به‌طوری‌که، با توجه به ضرایب همبستگی بین خرد شاخص‌ها و احساس تعلق در بخش کالبدی، گوئی «این مکان را می‌توانم با توجه به سلیقه خودم چیدمان کنم» از شاخص احساس مالکیت با ضریب بتای ۰/۱۸۶، بیانگر این موضوع است که محیطی که انسان در آن، احساس مالکیت کند و امکان دخالت در مکان را داشته باشد، تعلق خاصی به آن مکان ایجاد می‌کند که این موضوع با پژوهش کیم در سال ۲۰۰۱ همسو است. نتایج پژوهش در رابطه با مؤلفه عاطفی - روانی حاکی از آن است که فرایندها و روابط عاطفی در جایگاه بعدی اهمیت قرار دارند. گوئی «در این مکان افراد مراقبت و حمایت لازم را از هم انجام می‌دهند» نشان می‌دهد زمانی که دانش‌آموزان رفتارهای حمایتی از خود نسبت به یکدیگر بروز می‌دهند، علاوه بر افزایش همکاری و اعتماد در فضای مدرسه، موجب افزایش تعلق خواهد گردید. ضریب بتای ۰/۱۳۹، تأییدکننده این موضوع است و نشان می‌دهد که ۱۳ درصد واریانس احساس تعلق توسط ابعاد روانی-عاطفی تأمین می‌شود. در تأیید این مطلب، باید اضافه کرد که تقریباً تمام تحقیقات مرتبط با عوامل عاطفی تأیید می‌کنند که احساس تعلق یک جنبه عاطفی و روانی قوی دارد. در واقع، تعلق به مکان به‌عنوان پیوند عاطفی فرد با محیط اطراف تلقی می‌شود (شکل ۵).

سرانجام، تبیین تعلق در سطح فردی مبین این مطلب است که حس تعلق سیستمی است یکپارچه از احساسات، نگرش‌ها و رفتارهای وابسته به هم که صمیمیت‌ها و پیوندهای فردی را با مکان نشان می‌دهد. به‌طور کلی، عناصر این سیستم شامل رضایت‌مندی، احساس عاطفی مثبت و شناخت یا نگرش مثبت از مکان است که پیامد آن رفتارهایی است که به دنبال ارتقای مکان هستند. این موضوع با پژوهش‌های مختلف از

- Spatial Belonging in Boroujerd. *JISDS*. 2020; 12(4): 109–20. Persian.
- [20] Sharghi AL, Mahdinejad J, Nadoomi R. Comparative Comparison of Sense of Place in Real and Virtual Places. *Rasaneh va Farhang*. 2019; 9(1 (17): 157–77. Persian.
- [21] Fenster T. The Right to the Gendered City: Different Formations of Belonging in Everyday Life. *Journal of Gender Studies*. 2006; 14(3): 217–31.
- [22] May V. Belonging from afar: Nostalgia, time and memory. *The Sociological Review*. 2017; 65(2): 401–15.
- [23] Gallagher S. Merleau-Ponty's Phenomenology of Perception. *Topoi*. 2010; 29(2): 183–5.
- [24] Cuervo H, Cook J. Formations of belonging in Australia: The role of nostalgia in experiences of time and place. *Popul Space Place*. 2018; 25(5): 147.
- [25] Einifar A, Karimian F. Translation of Space language. Lawson B. (Author). Tehran: University of Tehran; 2006.
- [26] May V. *Connecting Self to Society: Belonging in a Changing World*. Basingstoke: Palgrave Macmillan 2013.
- [27] Leach N. Belonging: Towards a Theory of Identification with Place. *Perspecta*. 2002; 33: 126.
- [28] Skey M. *National Belonging and Everyday Life*. London: Palgrave Macmillan UK 2011.
- [29] Tauzer E. Place Attachment, *Participation and Integrative Framing Within The Remediation And Restoration Efforts Of A Contaminated Waterbody* [master's thesis]. Onondaga Lake Watershed, Ny; 2014.
- [30] Washburn M. *A sense of belonging in school: Exploring the patterns and correlates among urban adolescents* [dissertation] New Your University, NY; 2009.
- [31] Thurston K. *The Impact of Community: A Case Study of an Alternative Educational Learning Environment*, [dissertation]. Indiana University, Indiana; 2004.
- [32] Raffaetà R, Duff C. Putting Belonging into Place: Place Experience and Sense of Belonging among Ecuadorian Migrants in an Italian Alpine Region. *City and Society*. 2013; 25(3): 328–47.
- [33] Grossberg L. Affect's Future: Rediscovering the Virtual in the Actual. In: Gregg M, Seigworth GJ. (eds.) *The Affect Theory Reader*. Durham, NC and London, UK: Duke University Press 2010.
- [34] Geschiere P. *The Perils of Belonging*. US; University of Chicago Press; 2009.
- [35] Belk RW. Possessions and the Extended Self. *J CONSUM RES*. 1988; 15(2): 139.
- [4] Waxman L K. *More than Coffee: An Examination of People, Place, and Community with Implications for Design* [dissertation] The Florida State University, Florida, US; 2004.
- [5] O'Brien DJ, Ayidiya S. Neighborhood Community and Life Satisfaction. *Community Development Society Journal*. 1991; 22(1): 21–37.
- [6] nyder CR, Fisher AT, Sonn CC, Bishop BJ. Psychological Sense of Community. Boston, MA: Springer US; 2002.
- [7] Smith CJ, Relph E. Place and Placelessness. *Geographical Review*. 1978; 68(1): 116.
- [8] Tuan Y-F. *Topophilia*. Englewood Cliffs: Prentiss-Hall; 1974.
- [9] May V. Self, Belonging and Social Change. *Sociology*. 2011; 45(3): 363–78.
- [10] Fry S. Fry's Planet Word Episode 2 Identity.
- [11] ennett M. *Doing Belonging: A sociological study of belonging in place as the outcome of social practices* [dissertation]. University of Manchester, Manchester; 2012.
- [12] Miller L. Belonging to country — a philosophical anthropology. *Journal of Australian Studies*. 2003; 27(76): 215–23.
- [13] May V, Muir S. Everyday Belonging and Ageing: Place and Generational Change. *Sociological Research Online*. 2015; 20(1): 72–82.
- [14] Fields D. Emotional refuge? : Dynamics of place and belonging among formerly homeless individuals with mental illness. *Emotion, Space and Society*. 2011; 4(4): 258–67.
- [15] Rezvani N, Behzadfar M, Habibi K. The Evaluation of Environmental qualities in historic tissues based on sense of place (Case study: the Sarcheshme Neighborhood of Gorgan). *Journal of Research and Urban Planning*. 2017; 29(8): 23–42. Persian.
- [16] Rostamalizadeh v, ghasemi ardahaii a. Social factors affecting the tendency of rural youth to migrate with emphasis on the role of belonging to the place. *Journal of Population Association of Iran*. 2018; 12(24): 43–67. Persian.
- [17] Rahimi R, Ansari M, Bemanian MR, Mahdavinejad MJ. Relation between sense of belonging to place and participation on promoting social capital in informal settlements (Case study: Tork-Mahalleh neighborhood at the city of Sari). *Journal of Sustainable Architecture and Urban Design*. 2020; 8(1): 15–29. Persian.
- [18] kameli m, azemati H. Investigating the relationship between the sense of belonging to the place and the level of social security of citizens - Case study: Qom-. *Journal of Applied Researches in Geographical Sciences*. 2021; 21(61). Persian.
- [19] Motlagh M, Farhadipour N. Investigating the Relationship between Sustainable Social Development and the Sense of

- [53] Norberg-Schulz C. *Nightlands, Nordic Building*. MIT Press: Cambridge, Mass 2002.
- [54] Ann Meier M. *A Sense of Community Through an Urban Greenspace: Perspectives On People and Place*, The University of Utah, Utah[dissertation] 2007.
- [55] Kim J. Sense of community in neotraditional and conventional suburban developments: A comparative case study of Kentlands and Orchard Village. In: *Sense of community in neotraditional and conventional suburban developments: A comparative case study of Kentlands and Orchard Village*; 2001.
- [56] Tuan Y-F. Space and Place: Humanistic Perspective. In: Gale S, Olsson G, editors. *Philosophy in Geography*. Dordrecht: Springer Netherlands 1979; 387-427.
- [57] Canter DV. *The psychology of place*. New York: St. Martin's Press 1977.
- [58] Punter JV. Participation in the design of urban space. *Landscape Design*. 1991; (200): 24-7.
- [59] Van Campenhoudt L, Marquet J, Quivy R. *Manuel de recherche en sciences sociales*. 4e éd. entièrement revue et augmentée. Paris: Dunod 2011.
- [60] Lawshe Ch. A Quantitative Approach to Content Validity. *Personnel Psychology*. 1975; 28(4): 563-75.
- [36] Bell V. Performativity and Belonging. *Theory, Culture & Society*. 1999; 16(2): 1-10.
- [37] Gerson K, Stueve C, Fischer C. Attachment to Place. In: Fischer CS, Jackson RM, Stueve CA, Gerson K, Jones L, Baldassare M (eds.) *Networks and Places*; 1977.
- [38] Pakzad J. *Studies on the concepts of architecture and urban design*. Tehran: Ministry of Housing and Urban Development; 2003.
- [39] Ghazizadeh S. *The effect of outdoor design of residential complex in creating a sense of attachment to the place: Case study: Selected residential complexes in Tehran*, University of Tehran, Tehran [dissertation] 2011.
- [40] Altman I, Low SM. *Place Attachment*. Boston, MA: Springer US 1992.
- [41] Giuliani M. Theory of attachment and place attachment. In M. Bonnes, T. Lee, and M. Bonaiuto (Eds.), *Psychological theories for environmental issues*. Aldershot; 2003. Pp. 137-170.
- [42] Giuliani M. Towards an analysis of mental representations of attachment to the home. *Journal of Architectural and Planning Research*. 1991; (8): 133-46.
- [43] Bowlby J. Processes of mourning. *International Journal of Psychoanalysis*. 1961; (42): 317-40.
- [44] Giuliani MV, Feldman R. Place attachment in a developmental and cultural context. *Journal of Environmental Psychology*. 1993; 13(3): 267-74.
- [45] Brewer MB. The Social Self: On Being the Same and Different at the Same Time. *Pers Soc Psychol Bull*. 1991; 17(5): 475-82.
- [46] Belk R. Attachment to Possessions. In Altman I, Low SM (eds.), *Place Attachment*. Switzerland: Springer; 1992. Pp 37-62.
- [47] Shumaker, S, Taylor R. Toward a Clarification of People-Place Relationships: A Model of Attachment to Place. In N. R. Feimer, & E. S. Geller (Eds.), *Environmental Psychology: Directions and Perspectives*. New York: Praeger. Pp. 219-251.
- [48] Brown, B, Perkins D. Disruption in place attachment. In I. Altman and S.M. Low (eds.), *place Attachment* 2003.
- [49] Milligan MJ. Interactional Past And Potential: The Social Construction Of Place Attachment. *Symbolic Interaction*. 1998; 21(1): 1-33.
- [50] Fuhrer U, Kaiser FG, Hartig T. Place attachment and mobility during leisure time. *Journal of Environmental Psychology*. 1993; 13(4): 309-21.
- [51] Javan Forouzandeh A, Motalebi Q. The concept of sense of place and its constituent factors. *Journal of Urban Identity*; 2011; (8): 27-37. Persian.
- [52] Carmona M, Heath T, Oc T, Tiesdell S. *Public places — urban spaces*. Oxford: Routledge 2012.

معرفی نویسندگان

AUTHOR(S) BIOSKETCHES



مصطفی ارغیانی استادیار دانشکده هنر دانشگاه بجنورد هستند. ایشان مدرک کارشناسی ارشد مهندسی معماری و دکتری مهندسی معماری را به ترتیب در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۹۷ از دانشگاه علم و صنعت ایران دریافت نموده‌اند و بیش از ۱۰ مقاله علمی در مجلات و کنفرانس‌های علمی ارائه کرده‌اند. زمینه‌های تخصصی ایشان عبارتند از: روان‌شناسی محیط، محیط و رفتار اجتماعی و طراحی فضاهای آموزشی.

Arghyani, M., Assistant Professor, Architecture Department, University of Bojnord, Iran

m.arghyani@ub.ac.ir



سید مهدی میرهاشمی استادیار گروه معماری دانشگاه بجنورد، فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران و دکتری معماری اسلامی از دانشگاه هنر اسلامی تبریز هستند. محیط زیست، تاریخ معماری و روان‌شناسی محیطی از زمینه‌های پژوهشی ایشان است، چندین مقاله تالیفی و همکاری در چندین طرح پژوهشی را در رزومه خود دارند.

اسلامی، زمینه‌گرایی در معماری و آموزش معماری از زمینه‌های پژوهشی ایشان است و تا کنون چندین مقاله در نشریات معتبر علمی ارائه نموده‌اند.

Mirhashemi, M., Assistant Professor, Architecture Department, University of Bojnord, Iran
✉ m.mahvash@ub.ac.ir

Mirhashemi, M., Assistant Professor, Architecture Department, University of Bojnord, Iran
✉ mirhashemi@ub.ac.ir



محمد مهوش استادیار گروه معماری دانشگاه بجنورد، فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد معماری از دانشگاه گیلان در سال ۱۳۸۵ و دکتری معماری اسلامی از دانشگاه هنر اصفهان در سال ۱۳۹۷ هستند. معماری

Citation (Vancouver): Arghiani M, Mirhashemi MMahvash, M. [Investigating the effect of physical and emotional dimensions of place on sense of belonging: A case study of traditional and modern high schools in Bojnord]. *Tech. Edu. J.* 2022; 16(1): 99-118.

 <http://dx.doi.org/10.22061/tej.2021.6813.2457>



COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.